

همه فریادها بر سر امپریالیسم آمریکا

سخن صائب و کوبنده امام در دیدار با اسقف کاپوچی در حکومت امپریالیسم جهانخوار آمریکا، بار دیگر تصویری روشن از قاطعیت انقلابی امام در مقابله با امپریالیسم آمریکا را به جهان نشان داد.

امام در این دیدار، نظام ظلم و جور و سرکوب و غارتگری امپریالیسم آمریکا را به شدت محکوم کرد. تمام اعدای آمریکا را به کشتن روزنه های سازش و آشتی با جمهوری اسلامی ایران نقش بر آب ساخت و بیانگر احساسات مردم رنج کشیده ای شد که این بار انقلابی را در خود پرورده اند که:

«اگر آمریکا تمام مردم ما را هم از بین ببرد، دیگری نتواند به اینجایاید و منافع خود را تامین کند.»

سخن امام بویژه در شرایطی اهمیت خطیر کسب می کند که از یکسو انقلاب نوپای مادر تریس نوظهورهای دانشی امپریالیسم آمریکا است و از سوی دیگر قاصدان امپریالیسم آمریکا کلاه و نگاه حامل نامه ها و پیام هایی هستند که نه تنها تهدید و ارعاب در آن مستتر است، بلکه موبذیان، آشتی جویانه است. کلمات صائب امام، هم این و هم آن را رد می کند. به تلاش امپریالیسم آمریکا برای آنکه بهرحله دردل مردم ما راهی برای خود بکشد، قاطعانه پاسخ «نه» می گوید:

— ما نمی توانیم دیگر زیر بار آمریکا برویم.
— ما در مقابل آمریکا ایستادیم تا آخر، و نخواهیم گدازیم آمریکا بازگردد.

و در برابر دشمنان و نوظهورهای امپریالیسم آمریکا، باور و ایمان یک خلق را پشتوانه سخنان خود می کند و همه قدرت نظامی آمریکا را در برابر اراده مردم به یاداری به هیچ می گیرد و می گوید:

— ملت ما تا آخرین نفس برای دفاع از حق حاضر است.

کلام امام تأکیدی مجدد بر این حقیقت است که دشمن اصلی ما آمریکا است. اگر در نخستین روزهای پس از اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، و رهمنوی امام در مورد انقلابی بزرگتر از انقلاب اول، کسبی بودند و اکنون نیز هستند که سعی در خارج ساختن امپریالیسم آمریکا از زیر سایه دارند و بدشال هر عیب کوشی اجباری از امریکای شهباز، هزاران دشنام و انهام نثار «سوسال امپریالیسم» می کنند. بیان اخیر امام باید برای آنان هشدار باشد. نفرت امام خمینی از امپریالیسم آمریکا برخاسته از ماهیت این امپریالیسم و عملکرد جنایتکارانه آن در کشور ما و متکی بر واقعیتی است که به هیچ وجه انکار کردنی نیست. بررسی رخداد های پس از انقلاب بهمنیایی هر فردی غرضی را بیان نتیجه می رساند که دشمن اصلی ما واقعا امپریالیسم آمریکا است.

در روز هایی که انقلاب ما کام به کام به سوی پیشه در صفحه ۲

اخبار کاملاً موثق درباره فعالیت ضد انقلاب

استفاده میکند.

سهامکنون در عمان چند اردوگانه تعلیماتی بوجود آورده اند که تجزیه طلبان بلوچ را تعلیم می دهند و مربیان آمریکا و انگلیسی این اردوگاهها را اداره میکنند، یکی از اردوگاهها در محلی بنام حیکو (؟) واقع شده است. در اواسط اردیبهشت ماه، هفتاد نفر از این پایگاه به ایران فرستاده شده اند که بین آنها اسرا ن عمانی هم بوده اند. در اردیبهشت سال جاری در ایرانشهر، یک افسار ارتش عمان بنام سرکرد محمد حسن درخشان، که املا بلوچ است، فعالیت می کرده است وی از آنجا به پاکستان (پشاور) رفته و با نمایندگان «سپا» درباره شورش بلوچها و افغانها مشورت کرده و همراهِ با آنها طرح تدارک شورش را میبرد.

به اردوگاه حیکو (؟) عده ای افغانی بقیه در صفحه ۲

— عمان به پایگاه اصلی توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران بدل شده است

— در اردوگاهی در منطقه حیکو (؟) مربیان آمریکائی و انگلیسی، تجزیه طلبان بلوچ و مزدوران افغانی را برای ورود به ایران و توطئه علیه انقلاب ایران آموزش میدهند

— یکی دیگر از اردوگاههای ضد انقلابیون در آلمان غربی قرار دارد

— طبق قرارداد که بین دولت آمریکا و عمان به امضا رسیده است، آمریکا از خاک عمان بعنوان پایگاه اصلی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران استفاده خواهد کرد.

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم سال دوم، شماره ۳۰۱
چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ رمال

دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا از ریاکاری و سازش طلبی پرده برمی دارند

یعنی "بعدا شاه نوبت آمریکاست!"، از درمالمحاله با امپریالیسم آمریکا در آمدند و کار را به جایی رسانیدند، که با برزینسکی، سخنگوی هارتس و ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی بنگدینا، همکوش شدند. تا آنکه "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" با تسخیر انقلابی جاسوخانه آمریکا، نه تنها دهها سند جدید مبنی بر خرابکاری و توطئهگری دولت کارتز به همگان ارائه داشتند، بلکه فاحشه لیبرالهای دولتمدار را نیز خواندند. اما اقدام آشکارانه دانشجویان انقلابی مادر آمریکا همچنین روسای دیگری برای وزارت خارجه ایران و شخص آقای قطب زاده که هم نشینی اش با ضیاءالحقها و دیگر ایدای "مبارز" و اشکتن — پکن و همکوشی با رسواترین عناصر ضد کمونیست و ضد شوروی، گویا دیگر وقتی برای او باقی نگذاشته بود که سفارتخانه های ایران را در خارج از کشور متوجه یکی از بدیهی ترین وظایفشان، یعنی شناساندن انقلاب ایران به خارجیان، سازد. برعکس، افشاکاری های هفته های اخیر خوبی نشان داد، اماست، که این سفارتها در مجموع خود، چه در ساختار و چه در کردار خود، "آریامهری" باقی مانده اند.

نامه اخیر آقای قطب زاده به کورت والد هایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، نیز با آنکه قدری و فقط قدری بهتر از هیچ است، از درستی این ارزیابی حتی ذرهای نمی گاهد. آیا آقای قطب زاده تا به حال این زحمت را به خود داده است که از طریق سفارتخانه های خود در کشورهای امپریالیستی بقیه در صفحه ۲

آزادی های ابتدایی را، که او عوامفریبانه در دیگر کشورهای جهان، بویژه در کشورهای سوسیالیستی، سنگنان را به سینه می زند، تضمین کند، چه رسد به داعیه دفاع از "حقوق بشر" او! ریاکاری "بشر دوستانه" کارتز و شرکا، که بارها در تجاوزات جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و دسیسه های شهبازانه اش علیه خلق های ستمدیده جهان به ثبوت رسیده است، این بار در قلب "جهان آزاد" عیان می گردد.

از سوی دیگر، ندای دانشجویان مبارز ما در آمریکا پاسخ دندان شکنی است به "لیبرال"هایی که از روز نخست پس از پیروزی انقلاب و با نادیده انگاشتن خواست عمیق توده خلق ما،

اعتراض دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل به تصمیم «کنشت»

دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، تصمیم پارلمان اسرائیل را مبنی بر الحاق بخش عرب نشین بیت المقدس به خاک اسرائیل، "تحریک مبارزانه فلسطینی و شوهران به سازمان ملل" خواند. وی افزود: "این تصمیم مانع از آن خواهد شد که صلح در منطقه خاور میانه مستقر گردد."

دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده آمریکا که در روزهای اخیر آماج حمله وحشیانه پلیس آمریکا تضيقات فریاد شده است، "امنیتی" کارتز فرارگرفتند، با تظاهرات خود به هواخواهی از انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران و ایستادگی ستایش انگیزان در برابر درخشان کاخ سفید و ایدای سائوئی آنها، در شرایط کنونی نقشی بس ارزنده در شناساندن انقلاب ایران به افکار عمومی جهان بازی کرده اند. آنها، بدینسان بار دیگر سنت افتخار آفرین دانشجویان ایرانی رزمنده خارج از کشور را، که در دوران غارت و خفقان "آریامهری" با اعتراضات و روشنگری های خود، همواره در رام رسوا کردن ماهیت وابسته و دیکتاتوری رژیم شامخلوغ کام بر میداشتند، ادامه می دهند.

دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا، از یکسو از چهره ریاکارانه کارتز پرده برداشته اند، که بوق و کرنای ناهنجار کارتز "حقوق بشر"ش در ماههای گذشته گوش جهانیان را کرده است و از سوی دیگر لیبرال های شاخه و ناشاخته ای را رسوا می سازند، که چه آشکار و چه نهان، پیوسته کوشیده اند، تا با طرح مسائل فرعی و علم کردن دشمن پنداری، امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج سازند — آمریکایی که، به گفته امام خمینی، "شیطان بزرگ" عصر ما و باعث تمام همه انقلابیون راستین و گواه تاریخ گذشته و حال، دشمن اصلی خلق ما است. رفتار سبانه و خونتبار دولت آمریکا در مقابل دانشجویان ایرانی مقیم آن کشور نشان می دهد که، کارتز حتی در چند قدمی کاخ سفید نیز نمی تواند

اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو چهارم): تاکتیک ادامه چماق داری در پوشش وحدت حزبی

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم)، در رابطه با تلاشهایی که در جهت لووت کردن موضعگیری قاطع این جناح در مقابل انحرافات "گروه فاسلو" بعمل می آید، اعلامیه ای انتشار داده است. در این اعلامیه آمده است:

مردم مبارز ایران! خلق رزمنده کرد!

در تاریخ ۵۹/۵/۶ هیئت سفیری از طرف ما بقی اعضا کمیته مرکزی پیشنهادی بدون مهر و امضا، مبنی بر همکاری مجدد را مطرح کردند. پیشنهادشان بدین فرار بود که ما طی اعلامیه ای چند سطر زیر را بنویسیم:

"ما گروه هفت نفری بدینوسیله اعلام میداریم که اقدام خود را مبنی بر انشعاب و جدائی از حزب دمکرات کردستان ایران عملی اشتباه آموز میدانیم و حاضریم به صفوف حزب بازگردیم و مسائل مطروحه را در چهارچوب مفاد اساسنامه حزب بحث و حل نمائیم."

ما جهت روشن شدن اذهان مردم بارها تاکد کرده ایم که این اعلام مواضع انشعاب نیست، بلکه طرد سرطان انحراف است که به سر نوشت انقلاب ایران و مبارزه خلقمان جهت کسب حوایتهای حق طلبانه اش پیوند مستقیم دارد. خلق کردتیک می داند که بعد از اعلام بقیه در صفحه ۲



مواضع شب احیاء: پیمان دیگری برای مبارزه با آمریکا

و آنچه ثابت بکوش می رسید، شعار "مرکز برای آمریکا" و "مرکز برپلیس فاشیست آمریکا" بود.

مراسم احیاء توسط علی اکبر پرورش نمایندند. مردم اصفهان برگزار شد. ساعت ۲ بعد از نیمه شب، هنگامی که مراسم به اتمام رسید، مردم در حالیکه هنوز مشتاقانه گره کرده خود را علیه آمریکا یا لیس آمریکا می نمایند، منسفر شدند. تا ساعاتی بعد، آنها که هنوز مانده بودند، فریاد می زدند: مرکز برای امپریالیسم آمریکا.

مشت محکم خود را، مشت دهها هزار نفر را، مشت بزرگ ملتی را به آمریکا نشان میداد: ای آمریکا سنگت یابد.

در کرد همایش عظیم مراسم شب احیاء، که به دعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، برگزار شده بود، دهها هزار نفر از مردم گوشه و کفایت تهران شرکت کرده بودند. آنها در حدود ساعت ۲۱ روزه لانه جاسوسی آوردند و نزدیک نیمه شب، دبیرکل شده بودند، آنها می آمدند و می رفتند، می رفتند و می آمدند،

— مرت بر آمریکا ی جنایتکار.

و این فریاد خلق بود که با ردیگر در برابر لانه جاسوسی آمریکا در ایران کرد آمده بود، تا میناق خود را برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا تکرار و مستحکم تر کند. مردم آمده بودند تا بیستم کیلومترها فاصله، با دانشجویان مبارز ایران، که هم اکنون در آمریکا در بندند، فریاد همیشگی سردند و خشم خود را نسبت به اعمال فاشیستی امپریالیسم آمریکا به گوش جهانیان، چه بخواهند، چه نخواهند، برسانند.

جمعیت میلی بود که می آمد و با هر پیوست

حرکت بر دویا

ناکتیک کلاسیک ضدانقلابی امپریالیسم روشن است، تنها عمل متقابل ضرورت است

این اصطلاح "حرکت بر دویا" را مرحوم مائو (که این روزها حاشینان چینی اش در افشاش کوشا هستند) دوست داشت. با استفاده از این اصطلاح می توان گفت که سرمایه داری بین المللی و براس آن، امپریالیسم آمریکا، در ایران از ناکتیک "حرکت بر دویا" استفاده می کند: یک پای راست به نام لبرالیسم و یک پای "چپ" بنام مائوئیسم. لبرال ها و مائوئیست ها خود را به عنوان اجزاء و اعضا انقلاب ایران جا زدند. لبرال ها هنوز در دستگاه اجرایی، قضایی و قانون گذاری کشور ما نفوذ بزرگی دارند. جمعی از سرکردگان لبرال مانند نژده، مقدم مرغاهای، منین دفتری و امثال آنان مدت ها است در صحنه مرکزی نیستند و بی آنکارا به ضدانقلاب پیوسته اند. ولی برخی دیگر، با آنکه کمکی به حاشیه رانده شده اند، تشریف دارند و در رسانه های گروهی و مطبوعات هرچندی یکبار به میدان می آیند.

مائوئیست ها، به شکل علنی و مستقیم در گروه های "چپ" و به شکل ستور و سالوانه در ارکان های اسلامی میدان داری می کنند. با آنکه نفوذ آن ها در جامعه نزدیک به صفر است، ولی نفوذ آن ها در رادیو و تلویزیون و مطبوعات کثیر-الانتشار قابل ملاحظه است (!!) به قول شاعر "از طب تا کافر میدان سلطان سنجاست". از کومه تا روزنامه "انقلاب اسلامی" و "کپهان" و غیره، "تویستگان" مائوئیست زهر ضدتوده های و ضدشوروی و ضدافغانی خود را سیل آسا می ریزند و مشغول لیل زبانی هستند. برخی از آن ها را نامه "مردم" اخیرا در ستون های خود معرفی کرده است. متورم امپریالیسم آنتست که به کمک لبرال ها و مائوئیست ها با انقلاب ایران را در جهت تمایل خود مسخ بکند، یا اگر نتوانست به این هدف برسد، آن را با شکست مواجه سازد و تحویل اوبسی ها و پالیزبان ها و امثال محقق ها و مهدیون ها بدهد.

مگر آقای فری رئیس حزب "دمکرات مسیحی" شیلی، آزادی خواه ضدفاشیست معروف (!) همین کار را نکرد و رژیم آئینده را به جلاجل شیلی پیروشه تحویل نداد و خود به توجیه مهاجرت نخرید؟ مگر دکتر مظفر بقایی با همین شیوه جادام کوب کودتای محمدرضا پهلوی و زاهدی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد و خود به "پارتی کنگ و باد میخان" بنام نبرد، تا فاتحان امپریالیستی در موسسه "ساواک" هزاران نفر را باخفت و خواری تمام زجر کش کردند؟ بالاخره بقایی های کنونی نیز می توانند جای راحتی در گوشه ای پیدا کنند و بگذارند که اوبسی ها و پالیزبان ها، چنان که آرزو دارند، از "تهران تا مشهد" نشی آخوند و تودهای آویزان کنند.

لبرال ها و مائوئیست ها، هر کدام با "استدلالات" خاص خود در تدارک همین منظره اند. اگر موفق نشوند، آن دیگر نتیجه هشیاری و آماجگی و اتحاد مردم ایران خواهد بود. آن دیگر تیره قاطعیت و بهیمنت رهبری انقلاب خواهد بود. آری، امپریالیسم در درون عرصه انقلاب ایران با دویا حرکت می کند، ولی دویا پای دیگرش در پس صحنه، در بیرون عرصه است. این دویای بیرون صحنه عبارت است از "سوسال دمکراسی شاهپور بختیار" و "فاشیسم نظامی اوبسی-پالیزبان" آن آقایان هم سخت مشغولند تا نقشه شکست خورده محقق-مهدیون را از جای دیگر، به شکل دیگر، تجدید کنند و در کشور ما حمام های خون راه بیاندازند. نیروهای کشف نشده آن آقایان نیز در ارتش و خارج از ارتش کم نیست. بدین ترتیب ناکتیک امپریالیسم عبارت است از تخریب از درون و تخریب از بیرون، و این ناکتیک هم ناکتیک شناخته شده است.

چهارپای امپریالیستی می خواهد شقایق زار انقلاب بزرگ مردم ما را به این ترتیب لکدمال کند و آن را بی رحمانه از بین ببرد. هر عقل سلیمی حکم می کند که گوش این چهار پای متجاوز و خونخوار و مودی گرفته نشود و از مزه مزه انقلاب ایران رانده شود. در این کار کمترین درنگ و غفلت روا نیست.

پاکسازی به معنای وسیع این کلمه عبارتست از رها ساختن انقلاب ایران از خدعه "لبرال ها، از فتنه مائوئیست ها و "چپ آمریکایی" از توطئه عمال رژیم سابق و ماموران سیا و ساواک و موباد، که شب و روز مشغول کاربرد، در آن صورت، هم



بروزنیف و چاوشکوی: با جددفاع از تنش زدایی بین المللی را ادامه داد

لئونید بروزنیف و نیکولای چاوشکوی، رهبران شوروی و رومانی، در دیداری در کریمه، مناسبات میان دو کشور و مسایل بین المللی را بررسی کردند. آنها خاطر نشان ساختند که "مناسبات میان دو کشور در بسیاری از زمینه ها مستحکم تر گشته است" و خواهان همکاری بیشتر در گستره صنایع انرژی، مهندسی، الکترونیک و غیره شدند.

کامیابیهای آموزشی افغانستان علی رغم دسائیس ضدانقلاب

با نوانا هیئت راتب زاد، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و وزیر آموزش و پرورش دولت انقلابی (که حدود یک هفته پیش خبرگزاریهای امپریالیستی معلوم الحال - بدروغ همانند سایر اخبار افغانستان - خبرگشته شدن او را در وسط کابل داده بودند)، دیروز در یک محاسبه مطبوعاتی اعلام کرد که علی رغم مشکلات فراوانی که ضدانقلاب ایجاد می کند، دولت انقلابی به امر آموزش و پرورش توجه مخصوصی میدول میدارد و دوگوشترش آنرا یکی از راههای مهم غلبه بر برفق مانده می شمرد.

اخبار کاملاً موثق...

بقیه از صفحه ۱
جهت آموزش اعزام شده اند، تا پس از تعلیمات به ایران فرستاده شوند و در ایران به "مهاجرت اسلامی افغانی" که در اردوگاه های ایرانی، که در مشهد، بیرجند، علی آباد، تربت جام و تربت حیدریه و زاهدان واقع شده اند، پیوندند و از این اردوگاه ها برای "سیا" اطلاعات جمع آوری کنند.

همه فریادها بر سر امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه ۱
بیروزی می رفت تا یک رژیم چهار و سر بریده را به گورسپارد، امپریالیسم آمریکا که رژیم پاسدار منافع خود را در خطر دید، هزاران طرح ریخت و نقشه کشید تا رژیم محمدرضا معوم را از خطر سرنگونی برهاند، و چون این اقدامات کارگر نداشت یکی دیگر از مهرهای خود یعنی شاپور بختیار را از انان بیرون کشید و به صحنه فرستاد. اما استقامت و قاطعیت امام، مهره تازه را نیز همانند مهره قدیمی از صحنه خارج کرد. امپریالیسم آمریکا کوشید به کمک کارگزاران دیگر خود نظیر امیرانظام ها، مرغاهای، نژده ها و علوی ها، که در دولت

مواضع مهمی را اشغال کرده بودند، انقلاب را از خط قاطعیت انقلابی منحرف سازد و به راه آشتی سازش بکشد. تصرف جاسوخانه از سوی دانشجویان مسلمان بیروخط امام و دست یافتن به اسناد جاسوسی با مصلاح سفارتخانه آمریکا، دست این گروه از کارگزاران امپریالیسم را نیز رو کرد. از آن پس با آنکه امپریالیسم آمریکا سلاح تزویر و فریب را به کار نیفتند، ولی بایبگیری، تصمیم به سرکوب انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران گرفت. توطئه های طیس و ۱۸ تیر تجلی این تلاش شیطانی امپریالیسم آمریکا بود، که به برکت هشیاری مردم عقیم ماند.

ما توجه جدی و فوری مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را به این اخبار که حکایت از فعالیت گسترده و تب آلود ضدانقلاب، زیر رهبری آمریکا، دارد، جلب می کنیم.

رسمه رف اختلافات بین انقلابیون فراهم می شود، هم امکان عمل سازنده به سود مردم بیدار باشیم! در انقلاب با دقیقه و ساعت حساب می کنند. یک مرتبه می بینید که یک ساعت دیگر دیر است.

که از انقلاب گذشته یک میلیون نفر سواد افغانی در مبارزه علیه بیسوادگی سواد آموخته اند. عده دانش آموزان مدارس ابتدائی و متوسطه اکنون دویا بر بریش از قبل از انقلاب است، در این مدت هشتصد مدرس جدید در دروس ترین نقاط کشور ساخته شده است. بویژه به دهات القویت داده شده است.

خونهای بولیوی به پیکر درهیران

"جبهه متحد دمکراتیک خلق" دست زده است خونهای نظامی بولیوی پیکر دویسیع رهبران "جبهه متحد دمکراتیک خلق" را که، از جمله سازمانهای چپ و "حزب کمونیست بولیوی" را در بر میگیرد، آغاز کرده است. تا زدهای "جبهه" در انتخابات اخیر اکثریت آراء را بدست آوردند. سندیکاها و "کنفدراسیون دانشگاهیان" بولیوی، که اکنون مبارزه خود را در شرایط مخفی ادامه میدهند، آمادگی خود را برای پشتیبانی از دولتی خلقی به رهبری "جبهه" متحد دمکراتیک خلق اعلام کرده اند.

حمله هواپیماهای اسرائیلی به جنوب لبنان

اسرائیلی ها و تجزیه طلبان لبنانی با ردیگر چندین آبادی و اردوگاه فلسطینی را در جنوب لبنان زیر شلیک توپ قرار دادند. هواپیماهای اسرائیلی نیز در این حملات شرکت داشتند. چنانکه گزارش میرسد، چندین غیرنظامی کشته و معدموم شدند و خسارت های مالی فراوانی نیز پدید آمده است.

نشوفا شیت های ایتالیا

مسئولین گذاری بولیوی بودند نخست وزیر ایتالیا، کوسیگا، نشوفا شیت ها را متهم کرده است که روز شنبه گذشته، با انفجار بمب در ایستگاه راه آهن بولیوی، مسیب قتل ۲۶ نفر و جراحت بیش از ۲۵۰ تن شدند.

وی در بحثی در سنای ایتالیا درباره تروریسم، موج کنونی تروریسم را به جنایات هیتلری تشبیه کرد. پیروزی میلیونها ایتالیایی، در تظاهرات و اعتراضات اعتراضی علیه خونریزیهای تروریستی راستگرایان شرکت جستند. یکی از نمایندگان حزب کمونیست ایتالیا در پارلمان آن کشور گفت که "بمب گذاری بولیوی بخشی از نقشه ای جنایتکارانه برای تخریب دمکراسی در ایتالیا است.

اعلامیه کمیته مرکزی

بقیه از صفحه ۱

مواضع، پاسخ اصولی و منطقی مارا باسلی از اتهامات و ناسزا پاسخ گفتند و در جریان روند مبارزه، اعلامیه ها و نوشته های افکارانه ما را باره می کردند و افراد صادق حزبی را مورد حمله و ضرب و شتم قرار می دادند غافل از اینکه این اعمال غیراصولی و ناجوانمردانه تنها ما را از راه اصولی حزبمان باز نمی دارد، بلکه ما را مصمم خواهد کرد.

طرح چنین پیشنهاداتی نه منطوق خدمت به وحدت حزب و پیشبرد مبارزات خلق کرد است، بلکه ناکتیک است عوام فریبانه جهت برده پوشی اعمال انحرافی خود، ناکتیک است به منظور ادامه چاققاری و ایجاد جو خفقان، زیرا مشهور است که: دزد بازار آشفته می خواهد.

ماضن ادامه راه اصولی حزب محبوبان، از تمامی اعضا و هواداران و پیشرکان صادق حزب و خلق کرد می خواهیم که تحت تاثیر این چنین اعمال عوام فریبانه منحرفین قرار نگیرند و با طرد منحرفین به انقلاب ایران و مبارزه حق طلبانه خلق کرد کمک نمایند.

پاسخ اصولی و منطقی ما به پیشنهاد ناکتیک مآبانه شان بدین شرح است: "مابروان کنگره" چهارم بعد از اینکه مشخص گردید که اکثریت رهبری، اولاً: از برنامه مصوب کنگره چهارم حزب مبتنی بر پشتیبانی از انقلاب ایران و راه اصولی مبارزه خلق کرد منحرف گشته است.

ثانیاً: زمانیکه ارتباط با رژیم فاشیستی بعث عراق بدون اطلاع ما داشت بالا میگرفت و حزب راه آلت دسی علیه انقلاب و نیروهای ایوزیسیون عراقی تبدیل میکرد. ثالثاً: زمانیکه در صفوف حزب عناصر وابسته و متشوک و افسران ضدانقلابی مشهود میگردد و جهت طرد آنها هیچ اقدامی صورت نمی گرفت.

رابعاً: زمانیکه با انحراف از منتهی سنتی حزب "کردستان" کم کم به پایگاهی علیه انقلاب ایران تبدیل می گردید، و منحرفین نه تنها هیچ اقدامی علیه ضدانقلابیون نمی نمودند، بلکه در بعضی موارد با آنها همکاری میکردند. بعد از مبارزات پیگیرانه درون حزبی جهت افشا و طرد

منحرفین و بازگرداندن حزب از انحرافات، اقدام به اعلام مواضع مبتنی بر منتهی مصوب کنگره چهارم حزب نمودیم و اکنون که دوشادوش اعضا و کادرهای صادق حزبی "بیروان کنگره" چهارم راهمان را ادامه خواهیم داد، هیچگونه دلالی برای بازگشت از راه اصولی خود و همکاری با منحرفین نمی بینیم و زمانی حاضر به همکاری با مابقی اعضا منحرف نشده کمیته مرکزی هستیم که:

- ۱- به انحرافات اکثریت رهبری حزب بویژه دفتر به اصطلاح سیاسی و دبیرکل اعتراف نمایند.
 - ۲- اقدام فوری جهت طرد منحرفین، که حزب را به انحراف و وابستگی کشانده اند.
 - ۳- اقدام جهت پاکسازی حزب از عناصر وابسته و افسران ضدانقلابی و مرتجعین، که به داخل صفوف حزب رخنه کرده اند.
 - ۴- مبارزه عملی و پیگیر علیه نیروهای ضدانقلابی و ابادی سرسپرده به امپریالیسم آمریکا و بعث عراق. در صورت قبول شرایط فوق حاصریم با اعضا صادق منحرف نشده حزبی جهت طرد هرگونه انحرافات و وابستگی مبارزه خود را ادامه دهیم.
- در غیر اینصورت پیشنهاد می نمایم که در نشست مشترک با شرکت نمایندگان اقشار مختلف مردم به افتخاری و طرد سلطان انحراف بیردازیم.
- کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
پیرو کنگره چهارم
۵۹/۵/۸

بند کشیده است، باردیگر از زبان امام خمینی به مثابه عمدترین دشمن انقلاب ما و مردم ما به جهانیان شناسانده شده است. اگر هنوز کسانی نخواهند ماهیت امپریالیسم آمریکا را بشناسند، از آن طفره روند و دشمنان خیالی را برجای آن بنشانند، این دیگرانی از جهل آنان نیست، برخاسته از قصد آنهاست، قصد آنان به تیره امپریالیسم آمریکا و کشودن راه برای این دشمن شماره یک انقلاب ما.

سخنان امام نه تنها فراخوان مجددی است برای مبارزه متحد مردم علیه امپریالیسم آمریکا، بلکه رهنمود ارزنده ای است برای همه مسئولان مملکتی و همه نهادهای جمهوری اسلامی ایران، تا تمام تلاش خود را برای نبرد با این دشمن اصلی متمرکز سازند. رئیس جمهور، دولت که بر سر کار خواهد آمد و مجلس شورای اسلامی همه و همه باید قاطعیت خود را در درجه اول حول شعار دشمن اصلی ما آمریکا ترمز بکشند، تا مواضع آمریکا در سیاست و اقتصاد و فرهنگ کشور درهم کوبیده شود. قوانین باید چنان تدوین شوند که سدی سدید در برابر رخنه مجدد امپریالیسم آمریکا باشند. سیاستهای دولت آینده چنان تنظیم شود که استقلال و حاکمیت ایران را در برابر این کرک جهانخوار تضمین کند.

تداوم انقلاب به معنای نبرد با امپریالیسم آمریکاست. روزی که امپریالیسم آمریکا را از پیروزی در این نبرد نومید سازیم، انقلاب رانجات داده ایم.

اعترافات صادقانه مهندس بازرگان

نامه سرکاده مهندس بازرگان به امام خمینی اعترافی شکنجه دربار، عملکرد دولت موقت و سابقه کام به کام است. مهندس بازرگان در این نامه اعتراف می‌کند که از همان ابتدا معتقد به شیوه‌های تدریجی بوده است و اعمای شورای انقلاب با "علم و قبول رویی که او در گذشته داشته و در آینده تغییر نخواهد داد" او را به نخست وزیری دولت انقلاب برگزیدند. مهندس بازرگان می‌نویسد:

"چیزی که در آغاز کار برای دولت موقت مطرح نبود و ضرورت و فوریتی برای آن احساس نمی‌شد، انقلابی عمل کردن به مفهوم ضربت و خشونت و شدت بود... پس از بیرون‌کردن شاه و کونایه کردن دست اسبق‌ترینها از سر دولت، نیازی به دست‌پاچگی و آشفتنی نبود و سازندگی یا آشفتنی و خصومت سازکاری نداشت."

مهندس بازرگان "دلخور" است که یکی دو ماه پس از انقلاب "علل و عواملی روی داد که مخالف رویه موقوت (شیوه‌های تدریجی) و مانع اجرای برنامه‌های دولت شدید و عوامل و عللی پدید آمد که ملت و انقلاب را در مسیر دیگری انداخت."

مهندس بازرگان "انسان و مخالف کسانی را که ایدئولوژیستان تکید بر تمام و تعرض و تخریب دارد و کینه و بدگمانی و انتقام که رایج بازارشان می‌باشد" (مقصود آقای بازرگان نیروهای حزب است) در صدر اسباب علل و عوامل ذکر می‌کند و می‌افزاید: "مجاهدین خلق نیز در این رفتار هاشمی نشان می‌دادند." مهندس بازرگان می‌نویسد:

"... چیزی که باعث تعجب و تاسف (مهندس بازرگان) شد این‌که بعضی از گروه‌های انقلابی و مسلمان نیز داشته یا نداشته تحت تاثیر گروه‌های چپ قرار گرفتند. این آقایان برای آن‌که در رهبری قهرتجا عقب نیفتند و بعضی از نیروهای جوان را که همیشه و هم‌داغ در شجاع جدیدهای مارکسیست قرار داشته، عائق دائمی و تیزی با حسد و قاطعیت و بدامناح انقلابی هستند از چنگ چپ‌ها گرفتند به طرف انقلاب (یا حزب) کشاندند (تندتر از آنها) (چپ‌ها) خواستند و سلسله از آنها فریاد زدند، ایچا! اشتیهای کاذب در طبقات محروم کردند و انتقام‌جویی و تجارگری را در ادارات و کارخانجات و دهات دامن می‌زدند. "ایچاد اشتیهای کاذب در طبقات محروم" - این است آنچه در "شوه" عمل گروه‌های انقلابی و مسلمان موجب "تعجب و تاسف" مهندس بازرگان شده است.

"کلاه" سروهای حزب از این هم بیشتر است. آنها عجله داشتند که با تحریک مردم برای حقوق فوری خواسته‌ها را عنوان کردن لغو قراردادها و واسطی‌ها و یا برتاب تیرهای قیمت و تسلیح برای متصدیان و مأمورین دولت را به کارهای دفاعی و منشی متعول سازند، احیا و اصلاح ارتش و نیروهای انقلابی را مانع شوند و از به راه افتادن چرخ‌های اقتصاد و اداره مملکت جلوگیری نمایند... و توطئه‌های تفرقه‌افکنانه آمریکا را که برای آنها (چپ‌ها) اعمالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی‌شان می‌باشد، پستی می‌کنند. "به کلمه" "فرسی" که یک دنیا معنی در آن پنهان است، توجه کنید!

مهندس بازرگان در نامه خود "علل و عوامل نوع دوم" را نیز شرح می‌دهد، که بررسی آن را به مقاله دیگری موکل می‌کنم.

مستمر از آنچه که مهندس بازرگان با حجلات فوق در نامه خود مطرح کرده است، چه می‌توان استنباط نمود.

نخستین می‌خواهم یادآور شوم که اعترافات مهندس بازرگان در این نامه صادقانه است و خود را مخفی نمی‌کند و به همین دلیل ما از خلال سطور این نامه، چهره یک بورژوا لسرال اصل را، که به اصول ایدئولوژی، سیاست و روش خود عمقا اعتقاد دارد، مشاهده می‌کنم. او معتقد است که "پس از بیرون کردن شاه" انقلاب با مانع یافته و "ضرورت و فوریتی برای انقلابی عمل کردن به مفهوم ضربت و خشونت و شدت" وجود نداشته است. شوه سازندگی باید "شیوه تدریجی" باشد. معنی باید از ادارات و سروهای انقلابی موجود، البته بدون آنکه آنها را بر "فروست و خسوت و شدت" فرار داد، برای "سازندگی کشور" استفاده نمود و این "حی‌جا" و در درجه اول بودای‌ها هستند که با ایدئولوژی "سواد و بعرض خود"، تمام سروهای انقلابی دیگر، از جمله مسلمانان انقلابی را به دنبال خود کشاندند و به تمام علیه حکومت اسباب برانگیختند!

ولی واقعتا است که میلیون‌ها مردمی که به خیانت‌ها آمدند، دهها هزار شهید دادند و انقلاب کوهسما را به سروری رساندند، برای این بود که زمام امور کشور را به دست دولتی بسازند که ما "شیوه‌های تدریجی" خود انقلاب را به کرداری هولناک نکشاند، که آمد براندازی جمهوری اسلامی ایران را در دل صدامانقلاب داخلی و جامان آمریکا آن برانگیزد. انتخاب نمایندگان انقلابی برای سلب به هدف‌های صدامبرالیستی، دمکراتیک و حلقی انقلاب خواست مردم بود و هست. و نه "تحریک" چپی‌ها و بودهای‌ها و مسلمانان انقلابی.

مهندس بازرگان در بخش دوم نامه خود که به "علل و عوامل نوع دوم" اشاره می‌کند، می‌نویسد:

"وقتی با جرات و جدت بی‌تابانه پنجه در پنجه" ابرقدرتی چون آمریکا اندازیم، چرا نباید "لایق قسمت عمده" مایل و معانت را باشی از این جهت و اقدامات داشت. و شعر سعدی را نیز در مابین گفته خود می‌آورد

که: جو کردی ما کلونانداز بیگار حذرکن کاندرا ما جنتی (شعر در نامه) مهندس بازرگان به حسن صورت غلط چاپ شده است. ولی به هرحال منظور مهندس بازرگان روشن است که می‌خواهند بگویند، اس ما هستم که به "فرسی" امبرالیسم آمریکا بر انداختیم و حالا باید فضای پس بدهم!

واقعا صداقت مهندس بازرگان در اظهار عقیده قابل ستایش است. به عقیده انسان، ما با پستی پس از انقلاب، جنایات امبرالیسم آمریکا را فراموش می‌کردیم. در تجربه ما نماندگان امبرالیسم آمریکا به زد و بند می‌سینم، لانه جاسوسی را اشغال می‌کردیم، فول می‌کردیم که کارتر پشیمان شده است و... و اگر امروز واقعه طمس روی می‌دهد، توطئه‌ها یکی پس از دیگری فاش می‌شود و در نام این توطئه‌ها نیز دست امبرالیسم آمریکا بنیاد است. گناهکار ما هستیم که اسما "کلون" انداختیم. امبرالیسم آمریکا طی مدت ۲۵ سال پس از کودتای خود علیه دولت ملی و فابوسی دکتر مصدق و برای سرکوب جنتین ملی ایران، ما را کل باران می‌کرده است و ما پس از انقلاب سه‌پوده به روی آمریکایی‌ها سینه رده‌ام. سینه یک لسرال سازشکار دنیا و انقلاب را از سبب چه عسکی می‌سند: "حسها" را بخظنه می‌کند که "توطئه‌های فرسی امبرالیسم آمریکا را که برای آنها اعمالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی‌شان می‌باشد، پستی می‌کنند" و امبرالیسم آمریکا را سرشمر می‌کند که "کلون" انداز" ما بوده‌ام و او در برابر عمل ما عکس‌العمل کرده است!

مهندس بازرگان، چنان‌که از نامه او مشهود است، درک نمی‌کند که انقلاب هم مانند هر بدیده اجتماعی دیگری فواین مختلف‌باید دارد. آن‌کس که نتوانسته است با به پای این انقلاب سنی ساند، او هم فکراسین بوده‌اید که حتی از وزیران کاسمانی‌ها نا جانمنی چون امبرالیسم، برمه، مقدم مواغاتی را در برمی‌کرد. هر قدر انقلاب عمیق‌تر شود، چهره رفیعان نسمه راه انقلاب آشکارتر می‌شود. سروهای انقلابی مسلمان (و نه لسرال‌های مسلمان) تحت تاثیر "مارکسیسم" فرار بگردند و با بگردند، مواصمان در مسائل اصلی انقلاب ما مواصمان لسرال‌ها و ملی‌گرایان ناکریر بغاوت اصولی خواهد داشت. زحمکان از انقلاب نتایج محسوس می‌خواهند و اسباب سروهای انقلابی مسلمان، اگر سخن‌گو و مدافع منافع آنان نبود، ناکریر پشیمانی بوده‌ها را از دست می‌دهند.

تاما به دلیل همین عقایدتان، که "شیوه‌های تدریجی" را شیوه اصلی کار در دوران انقلاب تصور می‌کردند و می‌کنند، سواستند کامی در جهت تحقق خواسته‌های مردم و اهداف انقلاب برآید. "شوه" تدریجی "ما از آجا ناشی می‌شد که نمی‌خواستند به منافع اساسی سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ لطمه بزنند. در صورتی که نخستین وظیفه یک دولت انقلابی سلب قدرت سیاسی و اقتصادی از عوامل و عناصری است که رژیم پیشین سرکوب شده را برپا نگاه داشته بودند. شما می‌خواستید ارتش باس را همان مرکب به خدمت "اسلام" درآوردید، درحالی‌که کثکف همین توطئه‌های اخیر نشان داد که این فکر ما چه اندازه برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خطرناک بود و هست. انشاه شما و هم‌فکرانان در آن بود و هست که مسلمانان ایران را در سبب سناختند. میلیون‌ها مردم به خیانت‌ها نمی‌ریزند، دهها هزار کشته و زخمی نمی‌دهند، که سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ را دورباره به نام "اسلام" به حکومت برسانند.

انتخاب شما البته ناشی از حصلت طبقاتی شما بود و نامه شما که اعتراف صادقانه در این باره، که آنچه در نظر شما نوده و نسبت منافع نوده‌های زحمتکش است. در برابر نامه شما بکار هم شده به آوازه‌هایی از قبیل "زحمتکش"، "مسئمان" و با نظار آن برخورد نمی‌کنم. چه کسی می‌توانست حدس بزند که شما هنگامی که در راس یک حکومت انقلابی قرار می‌گیرید، با این اندازه دور از مردم ساند؟

اس انقلاب صدامبرالیستی، به ویژه ضد امبرالیسم آمریکا بود و سنا به وره می‌گردد آمریکا را از زیر سرش انقلاب خارج کند. انقلاب خواهان سروری مستقیم بر مسکرس بود و سنا بی‌غاوت به این سارزه، ما جانی که هواداران مستقیم در سن گروه‌های اسلامی را هم طایر از "مارکسیسم" می‌دانند!

وای که انقلاب ایران با گذاردن شما به نخست‌وزیری دولت موقت چه انشاه بزرگی در برابر تاریخ مرکب شده است. ولی خودتان هم می‌دانید که امام در بزرگ‌ترین شما به نخست‌وزیری دولت موقت چه مصالحی را در نظر داشت و اکنون که چنین فاکتانه آن اقدام را انشاه می‌یابند، چه مصالحی را در نظر می‌گیرد.

سخن امام از جان نوده‌ها برمی‌خیزد، نوده‌هایی که شما در زمان نخست‌وزیری خودتان یک لحظه هم به فکر آن‌ها نبودید و از زمان بورژوازی لسرال کفیند که به به بار نماز از انقلاب پشیمان شده‌اید.

اما مردم از انقلاب پشیمان ننده‌اند و انقلاب ایران برخلاف پیش‌بینی کسانی که "کلوناندازی" ما را به سوی آمریکا "نادانی" می‌دانند، بی‌درند در اثر موارزه حد امبرالیستی همین مردم، به رهبری فاطم امام به سروری طعی و سباهی خواهد رسید.

مرگ بر حکومت فاشیستی آمریکا



بخش مردم در مسجد امام حسن بد حمایت ساززان دانشجوی ایرانی در آمریکا همچنان ادامه دارد.

در اجتماع منحصن در مسجد امام حسن:

میزان ایمان، میزان فقرت به آمریکا است

صبح مسجد ملو از جمعیت شد، و مردمی که خود را برای شرکت در سخنرانی مسجد می‌رساندند، به ناچار در محوطه جلوی مسجد و نیز در خیابان‌های اطراف اجتماع می‌کردند. یکی از سخنرانان سخن نطق خود را این اجتماع شرح میسوطی درباره زندگی ساده و آلاش و فعالیت و ساززات حق طلبانه، علی این اصطالت و نفس برجسته وی در مبارزه علیه ظلم و سواد و حجاب از حق و عدل و برابری بیان داشت و ضمن آن گفت:

"امروز کاج دشمنی که علی در آن زمان با آن ساروه می‌کرد، به کاج سعد بدل شده است، و در درون آن لانه ننگین گفتاران زازخای، معاویهای دگر نسه است. ما جنسانی آبی، صوری سرخ و موهای بور..."

سرافست سبگار آن روز (زمان حکومت علی) به مصورت کابینالسم غارت‌گر امروز درآمده است. امروز شرکت‌های سن‌الطلی به صورت ننگین ترین و خطرناک‌ترین قدرتهای ضد عدل و انسانیت شکل گرفته‌اند و مرکزست انسم سرمایه‌داران بلند... برای مشروعیت بخشیدن به اسباب غارتگری سباه می‌خواهد با ساحت خود را به سبب‌القدس اشغال دهد... دسلسامی ننگین کاج سعد واشنگسن، کنگره بلند آمریکا و سناکون و سنا و اف. سی. آی، کفندرت عاصب (اسرائیل) را بدید آوردمانند... کودهاها می...

آفرینند (همچون کودنای بولسوی، سلی و ایران در سال ۲۲) و باز در مفر خوش می‌بروزند که... در اسیران حکومت برده‌ها را برقرار کنند...

وی ضمن اشاره به سارزه: قهرمانانه دانشجویان انجمن‌های اسلامی در آمریکا گفت:

"مردم سزار ایران! سخن جدی است، ما نورد سنا آمریکا را به طب سلطان بزرگ مسفل کرده‌ام و پس از آن که آمریکا به سزاعمان ساید و در کنار حلیج فارس کورس را حفر کنیم، جوانان ما پشندستی کردند و حیک را به خود آمریکا کشاندند... جوانان ما در آمریکا ما پورش عظیم خود خواب کاج سفیدمان را آشفته کردند..."

وی افزود:

"ای مردم اگر می‌خواهد میزان ایمان خود را سنازماید، سسند که ما چه حد به آمریکا بغرت داریم میزان ایمان، میزان فقرت به آمریکاست. ما به نورد ادامه می‌دهم... ما در روز ۲۱ رمضان اعلام می‌کنم که ایران را بدل به کربلا خواهیم کرد با "سام" سوم واشنگسن را ویران کنیم."

سخنران در پایان ماکند کرد:

"نورد می‌امان آغاز شده است. دگر راه مارکست نست. ما راهبان را انتخاب کرده‌ام. راه شرح علی، ما کامی استوار به پیش می‌روم. لکن اگر در این نورد خطرناک که ما آمریکا آغاز کرده‌ام، جهید داخل می‌ست و مراکنده شود، شکست ما حسی است. سخت باید به حکم و اتحاد صفوف خویش برآیم. دسان خذراتکی، می‌کوشند صفوف مسحم ما را از هم سناختند، تا نواسم با دشمن بزرگ جنتیم. پس صحت و مشکل به سوی دشمن بزرگ، کانون کفر و ساهی و تاهی..."

به دنبال سخن وی جمعیت ما شعار "نصر من الله و فتح فریب، مرگ بر آمریکای مردم فریب" سخنان وی را نایند کرد.

نخستین برادران و خواهران ما به حمایت از دانشجویان سارز و دریند ایرانی در آمریکا همچنان ادامه دارد.

امبرالیسم آمریکا باز دیگر چهره کثکف و ضد مردمی خویش را به نمایش گذارد و مزدورانش را به جان جوانان قهرمان ایران که فراد خود را علیه جنایت‌های یکی از خون‌آسم‌ترین رژیم‌های غارت‌گر دنیا سر داده بودند، انداخت و نا وحشی‌گری و مساوسی بی‌مانند آنان را مورد ضرب و تسم فرار داد و زندان‌های خود را از این سارزان بر کرد. دانشجویان انجمن‌های اسلامی جرمشان تنها این بود که توطئه‌ها و جنایات امبرالیسم آمریکا را علیه انقلاب صدامبرالیستی و خلقی ایران، افشا و محکوم می‌کردند، جرمشان این بود که برده از چهره شوم و مهیب انحصارات امبرالیسم برمی‌داشتند و چهره سلطان بزرگ انقلاب ما را عریان می‌کردند. و این "جرم" برای سرکوب شدن، برای سبجفیدن و برای در حسمانیدن بوسط جنایتکاران مانگی کافی است. بلس جنایتکار آمریکا، ما پورش سمانه به دانشجویان قهرمان ایرانی، ما هست حقوق ستر "کاخ سفید" را به خویش به نمایش گذارد و بکار دگر ناست کرد که امبرالیسم آمریکا در مقابل ما انقلاب صدامبرالیستی و خلقی ایران، سنا و سنا به زبان توطئه، تجاوز و جنایت سخن می‌گوید و لاغر...

به دنبال هجوم بلس آمریکا به دانشجویان و سنا زندان انداختن آنان، مردم قهرمان ایران باز دگر فراد اغراض خویش را علیه این جنایات بلند کردند و سنا نظاهرات و راهمسانی‌های خود را اعمال بلند و سداسی را محکوم کردند. راهمسانی برنگوه مردم به سوی لانه جاسوسی آمریکا، که شمشب انجام گرفت، عزم راسح مردم دلیر ایران را در مقابل جنایات امبرالیسم آمریکا به خوبی نشان داد. روز یکشنبه سز که مصادف با سالروز تهادت علی‌سای طالب امام اول سنعمان بود، اجتماع مانگوهی از مردم سهران در مقابل مسجد امام حسین واقع در بندان امام حسین شکل شد. این اجتماع به پشیمانی از عده‌ای از جوانان مسلمان سهران، که در محل مسجد امام حسن مشخص هستند، صورت گرفت. این جوانان به حمایت از دانشجویان ایرانی، که در زنجیر بلس ددشتن آمریکا گرفتارند، از چند روز پیش به نحص شمشاند. خبریکار نامه "مردم" در این باره چنین می‌نویسد:

سر در مسجد امام حسین با بلاکادری ما مفهوم زسیر پوشانده شده بود:

رای حمایت از دانشجویان زیر شکنجه در آمریکا، برادران و خواهران مسلمان، در مسجد امام حسین به تحصن شمشاعیم، به ما بچینید. (اهالی میدان امام حسین)

از نخستین ساعات صبح یکشنبه، موج جمعیت به سوی مسجد روان گردید. جمعیتی که می‌رفتند تا بار دگر بمان سمدند که تا بای جان علیه سلطان بزرگ، آمریکای جنایتکار به سارزه ادامه دهند. در محوطه مسجد بلاکادری در محکوم کردن جنایات‌های آمریکا به حسم می‌خورد. بلاکادری نیز، که حکایت از پشیمانی دانشجویان مسلمان بیرو خطا ام، مسفر در لانه جاسوسی آمریکا، از شخصس داشت، در محوطه نصب شده بود. مردم با شور و هسجان شعار می‌دادند:

ای آمریکا، سارز با تو مخالف است چون اتحاد است و امام است

در کوه‌های از سخن مسجد، بلاکارد بزرگی با عمارت "مرگ بر حکومت فاشیستی آمریکا" بر بالای بوستری از امام خمینی، رهبر انقلاب نصب شده بود. در ساعت ۱۰/۳۰

کمک‌های بی شائبه آلمان دموکراتیک به خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین

مارک در اختیار خلق قهرمان ویتنام قرار گرفت. از این کمک‌ها در بازسازی شهر هویه، نواززی بیاضستان هوانی در هونو و آموزش کارشناسان بهداشتی ویتنامس در جمهوری دموکراتیک آلمان استفاده شد. تاکنون بیش از شش هزار جوان ویتنامی آموزش‌های فن را در جمهوری دموکراتیک آلمان به پایان رساندند و برای خدمت به کشور خود بازگشته‌اند. هم‌اکنون حدود چهارصد جوان لاتوسی در جمهوری دموکراتیک آلمان سرگرم آموزش هستند.

جمهوری دموکراتیک آلمان، بر اساس وظایف اترنالیسوی-نالیستی خود هر ساله کمک به خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را افزایش میدهد. بموجب آماری که در برلین منتشر شده است جمهوری دموکراتیک آلمان از سال ۱۹۷۰ تاکنون هزار و چهارصد میلیون مارک کمک‌های بین‌حسرتکربین‌المللی در اختیار خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین قرار داده است. از جمله تنها در سال ۱۹۷۹ حدود سیصد میلیون مارک کمک در اختیار این خلق‌ها قرار گرفته است. در این سال از جمله دیوشت میلیون

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

محرک کودتاست. زیرا از تبلیغات گذشته، یکسند رسیده دست درباریان در داخله و آمریکا ثبات در خارج داده می شود و آنها نشان داده می شود که ایران با دست جبهه ملی دارد از دست می رود!

(شاهد، ۱۸ مرداد ۱۳۳۱)

و عملی که می توانند به انگلیسها کمک کنند تا بتوانند توطئه ضد صمدی خود را ایستار به شکل کودتا عملی سازند. اینست که اولاً به نهضتی که قیام سی و یکم از مظاهر آنست، رنگ تودمائی بزنند، ثانیاً بطور طبیعی و بدون تکلف، این نهضت را ضد شخص شاه و سلطنت مشروطه معرفی کنند و شعارهایی از این نوع را تشویق و ترویج کنند. سیم به این نهضت یک رنگ ضد امریکائی شدید بزنند. چهارم افسران را نسبت به این نهضت بدبین و متفرق کنند و با دادن شعارهایی ضد افسران و سوزاندن خنک و تریا هم، کلیه افسران ارتش و شهربانی را نسبت به نهضت بدبین و متفرق سازند. پنجم با پیدا کردن راههای عملی که اختلاف انگلزر و مبارز را امکان پذیر بدارند، سوزنده و غیر قابل انکاری نزد درباریان و امریکائیان نشان بدهند و اجازه کودتا را بدست آورند!

(هانجا)

صمدی و رهبران صادق جنبش ملی ایران، متأسفانه به سخن "شاهد"ها که خنجر آخته خنایت به صمدی و جنبش ملی ایران را نیز می کردند، بیشتر باور داشتند تا سخن درست، دلسوزانه و مبین دوسانه "حزب توده" ایران را، و به همین دلیل، حتی گامی نیز در جهت فزودن دست اتحاد توده های بر نداشتند. اما "شاهد"ها همانگونه که دکتر صمدی پس از سرنگونی در یافت، از ترویج افسانه "خطر کمونیسم"، تنها و تنها حفظ منافع امریکالیستها را درباریان تعقیب می کردند و این تنها بهانه ای برای آن بود که هر گام دکتر صمدی را، که خلاف منافع امریکالیستها، بویژه امریکالیسم ارتقاء بر داشته می شد، با تبلیغ "تزدیک شدن خطر کمونیسم"، مورد حمله قرار دهند.

"شاهد"، در زمانیکه امریکالیستهای امریکایی و انگلیسی از صمدی بگلی قطع امید کرده و کمر بمرگونی او بسته بودند و چند حلقه از حلقه های توطئه های خویش را نیز به اجرا در آورده بودند (فروردین ۲۲)، در زمانیکه بغانی ها، به پیروی از اربابان خویش، دیگر ماسک حمایت از صمدی را از چهره برداشته و او را زیر رگبار حمله گرفته بودند، با تندی درشت، از "شنج مخوف کمونیسم"، که "کشور را فرا گرفته"، سخن می گفت.

"شاهد" می نوشت: "آنها یکی که سالها در خدمت امیرالایسم سیاه و سرخ، کمر بسته و در سال ساختن استقلال و ملیت ما، احزای

کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امیرالایسم

درس هایی از تاریخ (۵)

توجه کلیه مبارزان ضد امیرالایسم به ویژه مسلمانان صدیق ضد امیرالایسم را به این سلسله مقالات جلب می کنیم

مرز مسرک دارد... دخالت برخی از دول در ایران سبب خواهد شد که دیگران هم دخالت کنند و دیکتاتوری سیاه به دیکتاتوری سرخ تبدیل شود. چنانکه چین هم به همین درد دچار شد. (سخنرانی دکتر صمدی در مجلس شورای اطلاعات، ۶ تیر ۱۳۲۹)

و یادگر چنین فاطمی، مبارز شهید راه آزادی ایران، در یکی از حساس ترین لحظات تاریخ جنبش ملی ایران، در زمان نخست وزیری عامل سرسپردگی چون علاء، در حال پیشنهاد اتحاد حزب توده، ایران برای مقابله با این مزدور، می نوشت:

"توده های ما می خواهند از راه اغتشاش، مارتیه هرج و مرج و زوال تاریخ و استقلال بکنانند!" (با حرام روز، ۲۷ فروردین ۱۳۳۰)

و "به آتشی که می کوبند اوضاع قابل دوام نیست و این هبات حاکمه، مملکت را به این روز انداخته است."

د فاطمی مبارز

فرمان از دستخیز آزادی ایران

شماره ۹۸۹

شاهد

مبارز آزادی ایران

شماره ۹۸۹

زحمتگشان ایران متحد شوید



"شاهد" در روز ۲۲ تیر ۱۳۳۲، "سرنوشت صمدی را (که "شاهد" او را پیشوا - لقب هیتلر - می نامید)، چنین تصور می کند. کمی پیش از یکماه بعد، صمدی، که منافقانه به تبلیغات "شاهد" با وودا دست با توطئه مشترک "شاهد"ها، در سیاهارو امیرالایسم امریکائی و انگلیسی سرنگون می شود. او تا لحظه های آخر در کنگره "خطر کمونیسم" تنها پوششی برای پنهان ساختن خطراتی جدی و وحشی، یعنی خطرات امیرالایسم بوده است، آنها در دوران ما نیز بسیار رگسان، هنوز همان اشتباه مرگبار صمدی را دیگر تکرار نمی کنند؟

منهم مدد در صدمه واقف، ولی آیا علاج کار این خواهد بود که بگذاریم تجزیه طلبان و عوامل کمینفرم جان بگیرند! (هانجا)

این سخنان، ماهیت و میزان اهمیت "خدماتی" را که امیرالایسم بمرکز دیکتاتور امریکالیسم جنایتکار امریکائی می کردند، به عیان نشان می دهد. در واقع در موارد بسیاری، آنگذر که "شاهد"ها در پیشبرد اهداف امیرالایسم امریکائی می توانستند موثر باشند، شاید تهدید و زور نمی توانست (و نمی تواند)، بیهوده نمود و نیست که امیرالایسم امریکائی، بویژه از پس جنگ جهانی، به این سلاح کهنه، ولی مخرب، برای درهم شکستن مقاومت خلفای بسی اهمیت می نهد و امکانات عظیمی را برای تقویت این توطئه خانه دروغ ساز، اختصاص داده و می دهد.

"شاهد"، عمدتاً با خود را در جهت ممانعت از ایجاد هرگونه اتحادی میان دکتر صمدی و حزب توده ایران، بگامی بست. تبلیغات ضد کمونیستی و نیز زمانی که متخما از "عدم ضرورت اتحاد" سخن نمی گفت، در حقیقت فراهم ساختن زمینه برای تحریکات اتحادگشانه او بود. "شاهد" تبلیغ می کرد که "کمونیستهای خواهند در ایران انقلاب بلشویکی برپا بکنانند"، "بکمونیستها نباید اعتماد کرد"، "اتحاد با کمونیستها مانا و نابود شدن هان"، "نزدیکی دکتر صمدی به حزب توده ایران، صمدی را بگرنگی بدل خواهد کرد" و...

آنچه که در بررسی تبلیغات "شاهد"، بویژه برای مبارزان صادق ضد امیرالایسم کونی است، اینست که است که ساسی بلاس "شاهد" و "شاهد"ها آن بود که

«شاهد» و «خطر کمونیسم»

چنانکه دیدیم، بقاشی جنایتکار و جاسوس "سیا"، اصولاً گروهک خرابکارو خیانتکار "حزب زحمتگشان" و نیز "شاهد" خود، رانتهای به قصد مبارزه با حزب توده، ایران و دفاع از منافع غارتگرانه امیرالایسم امریکائی، ایجاد کرده بود. و اصولاً جاسوسان امریکائی، درست به همین منظور این سلف چاقو داران امروزی را از نظر مادی و "منوی"، تامین می کردند.

یکی از مهم ترین وسایلی که جاسوسان امریکایی، برای پیشبرد اهداف خویش از آن بهره می گرفتند، سلاح کهنه، ولی مخرب افسانه "خطر کمونیسم" بود، که بویژه به وسیله نشریات وابسته ای چون "شاهد"، با بیکری تمام علیه جنبش ملی ایران به کار می رفت.

"شاهد" و نظایر آن می کوشیدند تا با بهره گیری از میراث شوم دهه های سلطه امیرالایسم بر کشور و سوماتی که از رهگذر تبلیغات دهه های سلطه رژیم دست نشانده، پهلوی علیه کمونیسم، اذهان توده ها و رهبران را آغشته کرده بود، با طرح "خطر کمونیسم"، جنبش ملی ایران را به مجرای دلخواه اندازند و آنرا در جهت اهداف امیرالایسم امریکائی سوق دهند.

"شاهد" و نظایر آن، هر قدر که جنبش ملی ایران بهتر راه به جلو می گشود و تعقیب می گردید، هر قدر که دکتر صمدی و نیروهای صدیق درون جبهه ملی، بیشتر به ضرورت فاطمی مبارزه، خویش علیه منافع غارتگرانه امیرالایسم انگلیسی پی می بردند و به درک ماهیت امریکالیسم جنایتکار امریکائی نزدیک می شدند، بیشتر فریاد و انشای سر میدادند و از "سلطه کمونیسم" بر کشور سخن می گفتند.

در ماه های که کودتای امریکائی - درباری ۲۸ مرداد تبارک می شد، در ماه های که امیرالایسم امریکائی و امیرالایسم انگلیسی، علیه دولت ملی دکتر صمدی دست اتحاد به یکدیگر داده و بر سر سرنگون ساختن آن توافق کرده بودند و انواع توطئه ها را علیه آن سازمان میدادند، "شاهد" و نظایر آن بیش از هر زمان در گرای "خطر کمونیسم"، می دمیدند. آنها با این عمل، تلاش می کردند اذهان توده ها و رهبران را از خطراتی، به جانب کسکش و درگیری داخلی منحرف سازند، مابین نیروهای ملی و حزب توده ایران، جدایی بیگفتند و زمینه را برای موفقیت توطئه های شوم امیرالایسم امریکائی فراهم سازند.

آنها با این عمل می کوشیدند که با استفاده از زمینه مساعد طبقاتی جبهه ملی، که ناپیکری در مبارزه ضد امیرالایستی و یکی آن بود، رهبران ملی را به یوحت بیاندازند و آنها را کج سازند، گامهای ضد امیرالایستی آنها راست کنند، آنها را نسبت به حادثه سازی های عمل امیرالایسم علیه حزب توده، ایران بی تفاوت نگاه دارند و زمینه های اتحاد را تضعیف کنند. صمدی بعدها، یعنی پس از آنکه جنبش ملی ایران با توطئه مشترک امیرالایستی و عمل داخلی آنها در خون طیب و واقعی راکه بسیار دید آنرا در یافته بود، چنین توضیح داد:

"کمونیسم را بیانه گردماند برای اینکه ۴۰ سال دیگر از معدن نفت ما سوا استفاده کنند."

(دفاع دکتر صمدی از نفت در زندان زهی، صفحات ۵۴ و ۱۱۰)

در حالیکه دکتر صمدی، زمانی که می توانست با فزودن دست اتحاد حزب توده ایران، جنبش ملی ایران را به پیش برد و به پیروزی برساند، تبلیغات سو "شاهد"ها را می پذیرفت. او در ۲۲ تیر ۱۳۳۲ می گفت:

"ایران به چین شمیم تر است، برفرض که (امریکا) قشون بیش از حریف داشته باشد، چون نمی تواند به ایران قشون بیاورد، فاتح کسی است که هزاران کیلومتر

جه کمانی خنجر خود را پنهان کرده اند؟

امروز خنجر خود را پنهان کرده اند تا بعد

بقای و دیگر اعمال امیرالایسم امریکائی در درون جبهه ملی، برای نابود کردن جنبش ملی ایران و باقی کردن دولت دکتر صمدی، از هیچ توطئه و فریبی رویگردان نبودند و در همان حال حزب توده ایران را، که سه ماهه گذشته اتحاد بسوی صمدی در از کرده بود و این مزدوران را اقتضای ساخت "خاش" و غرض و می خوانند.

آیا اکنون سز اعمال امیرالایسم امریکائی در حکومت، که در پیوند با اربابان خویش انواع توطئه ها را علیه انقلاب ایران و رهبری انقلاب سازمان میدهند و هر زمان نقاب از چهره خیانتکارگرویی از آنان دریده میشود، راه "شاهد"ها را نمی روند؟ سخن امیرالایسم، جاسوس سیاه را بیاد آوریم که می گفت: "حزب توده به موجب قوانین موجود غیر قانونی است و تا این قوانین لغو نشده اند، با بدیهه آنها عمل کرد."

کاریکا تورا از "شاهد" ۱۸ مرداد ۱۳۳۱

قیام مردم حکومت صدق را سرنگون ساخت!

تختگاه صدق شورش را خنجر خنایت

نگذارید خائنین از دار مجازات فرار کنند

شاهد

زحمتگشان ایران متحد شوید

بک جاسوس شور در حزب

یر افتخار زحمتگشان

ملت ایران

قیام خونین ملت

هر روز نمایان با صاف دیده باد که هر یک بیگانه و بیگانه بود مرده باد صدق توام با خنجر گلوله های مرگ بر فراز آفتاب بود قیام مردم تهران به مصدق نشان داد که انحراف زمامداران بخشنودنی و فراموش شدنی نیست.

بگویم چه چیزی می بیند

باز گفت علی حضرت شاه

ریاست ستان سر لشکر

نقل کرد که ای از نمایندگان فراموش نکنان

قیام در آذربایجان

عربی تسلیم

مهرماه خنجر خود را پنهان کرد

مهرماه خنجر خود را پنهان کرد

خونیهای شهدای دیر روز باید با مصادره اموال صمدی تامین شود

این صفحه نخست "شاهد"، در روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲، پس از کودتای خنکن ۲۸ مرداد است. "شاهد" بطور کامل نقاب از چهره بر می گرداند و افسانه "خطر کمونیسم" را بیسه کنار می نهد و سلطنت ظلمی و وابستگی کامل خود را به امیرالایسم و توطئه های آن آشکار می سازد. "شاهد"، که ۳ روز قبل (۲۶ مرداد) بزرگترین تیترو خود را چنین فرار داده بود:

"شیخ مخوف قلدری و کمونیسم ایران را فرا گرفت" در ۲۹ مرداد از "قیام مردم" و "سازگشت اعلی حضرت شاه" سخن می گوید! "شاهد" های امروزی چه کمانی هستند؟

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتگشان سنگینی می کند. زحمتگشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

شرکت ایلیف داملی کیند

شرکت ایلیف داملی کیند در ۱۸ جاده کسرج واقع شده است و در حدود ۹۰۰ کارگر و ۲۰۰۰ کارمند در آنجا کار می کند.

طی دوران قبل از انقلاب و در دوران انقلاب کارگران این کارخانه سه اشکال مختلف با رژیم سابق مبارزه می کردند.

قبل از انقلاب، کارگران با راه دست به اعتصاب زدند و در آستانه انقلاب سراسری جلوگیری از فعالیت اخلاکگران و دستگیری و اخراج آنان شورای مؤبد تشکیل دادند. در همان اوایل کارگران ملکزاده مدیرعامل طاغوتی کارخانه را اخراج کردند.

بعد از انقلاب، عوامل ضد انقلاب و ما شو- نیت ها با تحریکات گوناگون، از جمله با بیخبر اعلامیه از کارگران دعوت می کردند که دست به اعتصاب بزنند، لکن کارگران سبک آکا می کامل جلوی این اخلال گری ها را گرفته و می گیرند.

قسمت مهمی از سهام این کارخانه قبلاً در دست امریکا شهاب بود، ولی بعداً سهام آنرا کمیابی سایر آلمان خرید. حدود ۱۲٪ سهام آن متعلق به فردی به نام مخلوچی است که در حال حاضر متواری است. قسمتی از سهام آن متعلق به بانک توسعه صنعتی و بخشی از سهام آن دولتی و ۵۰٪ دیگر سهام متعلق به سایر آلمان است. این کمیابی امیربالیستی با اینکه در ابتدا ۴۰ میلیون تومان سهم در این شرکت داشت، در حال حاضر فقط حدود ۲۰ میلیون تومان از شرکت طلبکار است؟ او همین قلم در طی ۵ - ۶ سال سرمایه گذاری آن، ماهیت را لومنت و اشتراک گر چنین کمیابی های امیربالیستی را نشان می دهد.

در حال حاضر نیز یکی از نمایندگان با سر آلمان در هیئت مدیره کارخانه، شرکت میکند و به تنهایی نفره ای تمام اعضای هیئت مدیره را، که از طرف دولت انتخاب شده داراست. وضع سهام داران این شرکت برای تمامی کارگران روشن نیست و هنوز معلوم نشده که آیا سهام مخلوچی ملی شده یا نه؟

خواست تمامی کارگران این است که این شرکت ملی اعلام شود، ولی عسده ای از روی کارخانه بهانه می آورند که در صورت ملی شدن، کارخانه با برابری مواد این شرکت را قطع خواهد کرد.

از طرف دیگر عده ای از مسئولین با دولت لهستان مذاکره کردند و جهت دریافت مواد خام توافقنامه حاصل شد، ولی عوامل کار- فرمای برای جلوگیری از ورود این مواد این بهانه را تراشیدند که مواد خام لهستانی به در داس کارخانه نمی خورد و طرحی لازم رانی توان روی این مواد برای قابل استفاده کردن آن به کار برد.

این واقعیت برای تمامی کارگران کارخانه مسلم شده، که اگر کارخانه مواد خام بخواهد، سراجی می تواند تهیه کند و اینها فقط بهانه کار فرمای برای ملی نکردن این کارخانه.

با توجه به اینکه این شرکت جزو شرکت های مادر محسوب می شود و بخش عمده کارخانه دیگر را تهیه می کند، ملی کردن آن ضرورت انقلاب است. از طرف دیگر چون این شرکت یکی از رشته های مهم و پر درآمد محسوب می شود، باقی ماندن مالکیت به وضع حاضر از برای کلانی توسط کمیابی امیربالیستی با سر از ایران خارج می شود، که این خود ضربه سنگینی است بر اقتصاد کشور.

کمیود و گرانی پرورش روستائیان فشار می آورد

روستای طولانی در بخش هرم در فاصله حدود ۴۰ کیلومتری شرق اسلام آباد غرب قرار دارد و جمعیت آن حدود ۱۵۰۰ نفر است.

در این روستا اکثر دهقانان کم زمین هستند و حدود ۱۵۰ نفر دهقان بی زمین در این روستا زندگی میکنند. طولانی از جمله روستاهایی است که هنوز هم آثار فئودالیسم پرورشی در آن مشهود است. دهقانان عمدتاً در گذشته سمور کارگران فملی در شهرها (خوزستان) کار میکردند و اکنون همه بیکارند.

یکی از دهقانان کم زمین طولانی میگوید: بیشتر زمینهای مرغوب دهه پیش از ۶۰ هکتار است مال ارباب است ولی ما از بی زمینگی آواره شهرها می شویم و حالا که کارم نیست گرسنه مانده ایم. ولی اینهمه زمین خوب و مرغوب مال کسی است که روی آن کار نمی کند.

آقای کالی جلیلیان دهقان بی زمین طولانی ۵۰ ساله می گوید: در گذشته کارگری میکردم و مگر آنرا که نهمه خزان دیگر برایم ممکن نیست فقط تنها امید به دولت انقلاب است. زمینهای مرغوب و زیاده در اینجا هست که دولت میتواند آنها را به دهقانان واگذار کند. این زمینها هر چه هالی را میدهند - او میگوید: برای کدران نادر آبا باید کار خلاق قانون انجام دهم؟

آقای علی روستائی دهقان بی زمین دیگر ۷۰ ساله میگوید: ۱۱ سواخته دارم و یک متر هم زمین کشاورزی ندارم. زمین بجز زمینها بجز اینها هیچ زمین ندارم. طولانی که عضو شورای ده هم می باشد گفت: کوشی داشتیم که از طرف شورای ده و نیز از طرف خودی متکلمان را با زگو می کنند. او میگوید: اینها را نتوانم میدهم و میگویم اینهمه فریاد می زنیم ولی، جوابی نیست. آب، برق، پیل، جاده، از همه اینها محروم هستیم یک بیست و نهمه ما ندانیم که اینها را چگونه می توانیم اجتناب به برنج داشت ولی نتوانستیم برای این تهیه کنیم.

آقای خیدان نامری دهقان طولانی میگوید: به ما نغری بکشید و روغن رسیده است. چرا این ما و شهری هافرک می کنند و اگر از رزاق نیست چرا در شهر فراوان است بیست و نهمه اگر که ۱۰ ریال قیمت دارد در شهر به ۵۰ ریال می توان خرید. ولی ما چکار کنیم.

درجهان سوسیالیسم

شرکت همه جانبه مردم جمهوری دمکراتیک آلمان در زندگی اجتماعی

یکی از ویژگی های زندگی همگانی در کشورهای سوسیالیستی، شرکت همه جانبه شهروندان در فعالیت های اجتماعی است.

جدول زیر وست اینگونه فعالیتها را در جمهوری دمکراتیک آلمان نشان میدهد:

۱۳۴۴	۱۳۴۳	۱۳۴۲	۱۳۴۱
۱۳۷۰	۴۰۲۹	۲۵۲۸	۴۵۶۶
۵۶۶	۱۳۷۳	۶۶۱	۱۷۰۲

شرکت در مسابقه برای کسب عنوان «گروه کار سوسیالیستی» (به هزار)

شرکت در جنبش نوآوران (به هزار)

فزون بر این، در سال ۱۳۵۷

بیش از دو میلیون نفر در فدراسیون سندیکای آزاد آلمان در ست های سندیکایی انجام وظیفه میکردند.

۳۳۵ هزار نفر در کمیسیون های «جبهه ملی» فعالیت داشتند.

۱۷۳ هزار نفر بعنوان قاضی غیر حرفه ای خدمت کردند، که ۴۷٪ آنها زن بودند.

۲۲۳۹۲۹ نفر در کمیسیون ها و کمیته های «بازرسی کارگری» دهقانی عضویت داشتند.

۶۸۰۷۶۵ نفر در شوراهای همکاری مدرسه، خانه فعال بودند.

درجهان سرمایه داری

سرمایه داران آلمان غربی ترجیح میدهند در صنایع سودآور تسلیحاتی سرمایه گذاری کنند

جدول زیر در صد سود ویژه مهم ترین صنایع تسلیحاتی جمهوری فدرال آلمان را نسبت به سرمایه پیش ریخته آنها، با رقم مشابه برای صنایع غیر تسلیحاتی مقایسه میکند:

درصد سود ویژه به نسبت سرمایه پیش ریخته در آلمان فدرال

۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶
۱۳۸	۱۷۷	۱۸۰	۱۹۱	۱۹۳	۱۶۳	۱۹۳	۱۹۳
۸	۸	۳۱	۴۵	۲۴	۴۶	۴۶	۳۶

جدول زیر نشان میدهد، که سرمایه تسلیحاتی، چگونه از سایر صنایع سود بیشتری میبرد:

سود ویژه مهم ترین شرکت های تسلیحاتی جمهوری فدرال آلمان (به میلیون مارک)

۱۳۴۹	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶
۲۸۰	۲۳۴	۲۳۴	۲۳۴	۲۳۴	۲۳۴	۲۳۴
۲۸۰	۲۳۴	۲۳۴	۲۳۴	۲۳۴	۲۳۴	۲۳۴

گزارشی از روستا دزدآباد را آباد کنید!

دزدآباد در ۳۰ کیلومتری مرودشت استان فارس قرار دارد. خانه های حش و کلی و کوچک های بارک و تنگ برآزین و فصولات حشوانی نماهای ظاهری این روستا را می سازند. این روستا دارای ۵۰ خانوار است که از این تعداد ۸ خانوار خوش نشین و بقیه خرده مالکانی هستند که هر یک دارای ۸ الی ۱۲ هکتار زمین هستند. روستا در حدود ۲۲۰ هکتار زمین مزروعی دارد. زمین های مزروعی این روستا در مسیر رودخانه کر قرار دارد و زمینهای حاصلخیز است. غالباً بصورت «آبی» می باشد.

طریقه کشاورزی بدین صورت است که از سد «بندامیر» که بر روی رودخانه کر احداث شده کانا لهای راکشده اند که آب را به مزارع دهقانان می رساند. البته چون کانا لها عمیق هستند و از سطح زمین زیرکشت با شین شرقی دارند برای کشیدن آب از کانا ل از ۴ عدد پمپ کوچک و بزرگ استفاده می شود.

در این روستا تنها یک دستکاه برای کشاورز وجود دارد که فاضلاب زمینها را جمع می کند. برای شخم زدن زمینها روستائیان مجبورند تراکتور را به سمت کرائی گرا بکشند و برای درو کردن گندم باید گاو یا گاوهای داران را با کتیرند که آن هم برای درو هر ۱۰۰۰ مین گندم اجرت میگیرند. با توجه به قیمت سنگین پمپ آب (از ۳۰ هزار تومان تا ۱۰۰ هزار تومان) و پمپ گرا به تراکتور و گاوهای و سبزی



فلمبردست در رودخانه طولانی

در این روستا عوامل ارباب هنوز ماحض قدرت و نفوذ می ساختند هالی نگرانی که میباید بهنگام فعالیت هیئت مدیره را به آنها متوجه در امر تقسیم زمین اعمال نمیکنند. چاره داران مالکین درده جماعت آنها هستند خوشحالی مردم اخیراً توانسته اند شورای خود را تشکیل دهند و زمین خود را تصرف کنند و انتخاب نمایند.

شوخی نیست...

قطب زاده ادامه میدهد

لانه جاسوسی آمریکا در هتل کنتیننتال کشف شد. آقای مالمی با زبیرس کمیته مرکزی گفت: آقای لورنس که ماحول گذرنا مسه دانسارگی و اردا بران شده است. ۱۵۰۰ سال عمو دانشی تلویزیون سی بی اس بوده در یکصد کشور برای این تلویزیون فعالیت کرده است. ... جاسوسی از ترکیه بعنوان خبرنگاری ترکیه به ایران میفرستند تا نشین او در این دفتر خبرنگاری قرار بگیرد.

نما بندگی تلویزیون دانشا رک در طول قما لبتش در ایران حتی یک تلکسی سراسری دانشا رک نفیستاده و همه آن به آمریکا فرستاده شده است. (آزادگان ۲ مرداد)

با زبیرس کمیته مرکزی: «جاسوس جاسوس خانه شدن هتل ... را وزارت خارجه ... بدینم (آزادگان ۲ مرداد).

کارل سورتن خبرنگار تلویزیون دانسارک که بیگفته دریا زدا شد بود آزاد شد و دیروز ایران را ترک کرد. منابع آگاه گفتند مادی قطب زاده ... نقش عمده ای در کسب آزادی خبرنگار دانسارگی ایفا کرده است. (انقلاب اسلامی ۸ مرداد).

مبارزان افغانی خسته شده اند

خبرگزاری فرانسه از قول یک منبع «سازمان افغانی اعلام کرد: ... از سوی دیگر گفته می شود مجاهدین از جنگیدن در خارج از شهرها خسته شده اند ... مجاهدین در کربده اند که اگر با آنها هم خارج از شهرها غالب باشند (!) با زهم به پیروزی نهایی دست نخواهند یافت.

با زمان سپاس به مبارزان: شما هم تورش را در آورده اید: ما تازه اعلام کرده بودیم که «لشکر ۱۴ افغانستان به مبارزان پیوست (هراب ۷ مرداد) و ۹۵٪ از مردم پشتیان مجاهدین هستند و مخالف روسها (خبرگزاری فرانسه - آزادگان ۸ مرداد) ... حال آنها میگوید خسته شده ایم و اگر با آنها هم جنگیم با زهم پیروزی نهایی دست نخواهیم یافت».

مدال حماقت برای کارتر

هنوز لمبیک مسکو آغا زنده بود، که بنده یک مدال طلای ویژه آن بدورا زرقا به پای برتلاقی معلوم شد: روزنامه «اوسیتا» کمی پس از آغا زبا زبها، ضمن معرفی این قهرمان مدال طلای ویژه لمبیک مسکو را به وی اهدا کرد.

حماقت حدس زده اید که این قهرمان کیمت و درجه رسته ای مدال طلا گرفته است.

آری، این قهرمان بی سرب، جیمی کارتر است و در رشته حماقت به دریا فت مدال طلای ویژه لمبیک مسکو نایل شده است. با زهم بکشید آمریکا شهاب در لمبیک مسکو ترکت نکرده اند.

تراکت بیشتر

رادوی شاپوربختیار که با حمایت ستیم سازمان سیا اداره می شود در برنامه ۲۶ تیرخورد از درختانی، آقای قطب زاده علیه حزب توده ایران استفاده کرد. قبا رادوی آمریکا سخنان وی در مورد حزب توده ایران را بطور کامل پخش کرده بود. رادوی ضد انقلاب بختیار در برنامه خود چنین گفت حزب توده ایران بدست ... که در دست بین المللی خود اینها یک حزب کمونیست طرفدار بیگانه شناسانده است. سابق قطب زاده که با اصطلاح رئیس دیپلماسی جمهوری اسلامی است بنترکی سرلخت (۱) را از جد تراکت هم گذرانده و گفته است حزب توده مایور و جبری سیاستهای شوروی دایران است.

کمیونتراکت به قطب زاده یا ضد انقلاب (رادوی ضد انقلاب ۲۶ تیر)

از مرودشت تا کلسا رکه این روستا نیز در مسران واقع شده است. یک جاده خاکی سر از جاله و کودا وجود دارد که هنوز مسئولین دولتی برای مرمت آن جاده تصمیم نگرفته اند بطوریکه دیده می شود در دزدآباد روستائی است با نفعان های فراوان. دهقانان زحمتکش این روستا نازی صرم و فوری به حل مسائل خود دارند. با زبای این روستا و نحوه کشت و کار و تلفه صرم دولت انقلاب است و زندگی در محیط آسوده جی رحمتگان آن.

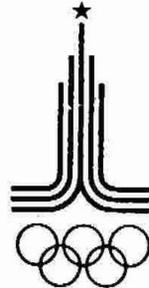


مخارج گرا به یک تراکتور سه فلک می زند. دزدآبادیها به تراکتور ساز دارند.

دوستی، صلح، دوستی و تفاهم میان ملت‌ها فایده گرید

در مسکو:

بازی‌های المپیک مسکو، که روز ۲۸ تیرماه آغاز شده بود، سراجام بی از ۱۵ روز مبارزه پرشور قهرمانان ۸۱ کشور جهان به پایان رسید و آتش المپیک بار دیگر فرو خفت و به جایگاه همشگي خود در یونان بازگشت، تا ۴ سال بعد، در لس‌آنجلس (امریکا) بار دیگر به مناسبت تفاهم، دوستی و هم‌زیستی ملل جهان در یک گردهم‌آبی پرشور دیگر، شعله‌ور گردد.



نظام سوسیالیستی، برتری عظیم خود را بر نظام سرمایه‌داری نمایاند.
امپریالیسم آمریکا، با تحریم المپیک مسکو، شکستی فضیحت‌بار خورد.



برادری و دوستی و تفاهم میان ملت‌ها، که چون خاری هر چهار سال، بیش از گذشته در چشمان جانبکار او فرو می‌رود، عملی کند و با تحریم بازی‌های المپیک، خود را از ضربه شکست درافغانستان برهاند و به "قدرت" و "آقای" روبرو زوال خود، رنگ "تجدید" یزند. آمریکا کوشد تا با برهم زدن این بازی‌ها، مانع از آن شود که هم‌جهانیان بار دیگر شاهد آن شوند که صلح و دوستی بر جنگ و دشمنی غلبه می‌کند و کوشید تا با این دستاویز جو نزدیکی میان خلق‌ها و جوانان ورزشکار را به جو خصومت و تشنج بدل کند.

امپریالیسم آمریکا، که در ویتنام، آنگولا، نیکاراگوئه، ایران و افغانستان، شکست‌های بزرگی را متحمل شده است، شکست‌هایی که بر آفتاب و سیطره‌جویی وی ضربات مهلکی وارد ساخته است، در پی شکست توطئه عظیم و خائضانه وی برای نابود کردن انقلاب افغانستان (به عینه مانند شکستی که به واسطه عقیم‌ماندن توطئه کودتای اخیر در ایران خورد) که چون مشت محکمی بر بوزه وی وارد آمد، فغان برآورد و از پایمال شدن "حقوق بشر" و وارد آمدن "ستم بر مردم مسلمان افغانستان"، داد سخن داد و همگان را دعوت کرد تا "تجاوز نظامی شوروی به افغانستان را محکوم کنند. کارتر، کارگزار شیطان بزرگ، از این "بهانه" استفاده کرد و "ابتکار" تحریم بازی‌های المپیک را بر عهده گرفت.

اما امپریالیسم آمریکا با فضیحت بیستری، شکست خورده از میدان این مبارزه بیرون آمد. کسانی که به دنبال آمریکا روان شدند، تنها فاسدترین، جنایت‌کارترین و سرسپردترین رژیم‌های جهان بودند، همان‌هایی که با در جای پای محدرضای مخلوع می‌نهند و آینده‌های بهترآینده وی نیز نخواهند داشت. تنها سادات، قابوسها، ضیاءالحق‌ها، ملک‌خالد‌ها، سلطان‌حسن‌ها، ملک حسین‌ها، بگین‌ها و اشویت‌ها به دستور آمریکا، المپیک مسکو را تحریم کردند.

البته در این میان استثنا هم وجود داشت، و آن عدم شرکت ایران در بازی‌های المپیک مسکو بود، امری که باید حساب آن را از عدم شرکت رژیم‌های مزدور فوق‌الذکر به کلی جدا ساخت. عدم شرکت ایران در المپیک مسکو، که باید آن را با تاسف و تعجب تلقی کرد، در زمانی صورت گرفت که جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساس‌ترین دوران تاریخ حیات خود و در نبردی جانانه با امپریالیسم جنایت‌کار آمریکا و عمال داخلی آن، بسر می‌برد. انقلاب ایران نیز به عینه مانند انقلاب افغانستان، با توطئه‌های مشابهی از جانب امپریالیسم آمریکا، روبروست و به همین دلیل عدم شرکت ایران در

بازی‌هایی که محتوی واقعی تحریم آن، ناراضی امپریالیسم آمریکا از نکت توطئه خویش علیه یک انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی است، به سود انقلاب ایران نبود. با کمال تاسف جای ایران در میان متحدین واقعی و بی‌گیر انقلاب آن، که همگی در المپیک مسکو شرکت داشتند، خالی بود.

المپیک مسکو، علی‌رغم تحریم امپریالیسم آمریکا و متحدان و دست‌نشاندهگان آن، نمایش بانگویی از قدرت‌تغابی ورزشکاران جهان را در بالاترین سطح ممکن عرضه کرد. شکسته‌شدن ۳۶ رکورد جهان و ۲۴ رکورد المپیک در این مسابقات، که سطحی بالاتر از المپیک پیشین (مونترال) را به نمایش گذارد، بیان عددی این موفقیت بزرگ بود (در المپیک بیست‌ویکم تنها ۳۴ رکورد جهانی و به تعدادی کمتر رکورد المپیک شکسته شده بود).

۶ کشور سوسیالیستی: اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان، بلغارستان، مجارستان، رومانی و کوبا، مقام‌های اول تا ششم را به خود اختصاص دادند. ۱۱ کشور سوسیالیستی در این مسابقات ۷۶ درصد مجموع ۶۲۸ مدال را بردند و ۱۱ کشور سرمایه‌داری رشداخته تنها ۱۸ درصد کل مدال‌ها را کسب کردند. این تفاوت عظیم و کیفی، که به ویژه به برکت رشد سریع ورزش در کشورهای سوسیالیستی چون کوبا، آلمان دموکراتیک و بلغارستان در سال‌های اخیر به دست آمده، بار دیگر امکانات عظیمی را که برای پیشرفت ورزش خلقی در نظام سوسیالیستی وجود دارد، آشکار ساخت.

نتیجه دیگر قابل‌تعمقی که از المپیک مسکو به دست می‌آید، وضع کشورهای رشداخته و تحت‌سلطه است. این کشورها، که اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در المپیک مسکو را تشکیل می‌دادند، (قریب به ۶۰ کشور)، تنها ۶ درصد کل مدال‌ها را به دست آوردند. این واقعیت، دلیلی دیگر بر عقب‌فجای سرمایه‌داری و نتیجه‌ای است که در قبال سیطره امپریالیسم بر اکثریت این کشورها به دست می‌آید. اکثریت این کشورها یا هنوز در راه رشد سرمایه‌داری کام می‌سیرند و با به نازگی گام‌هایی در جهت قطع وابستگی با امپریالیسم و کسب استقلال برداشته‌اند، ولی هنوز بطور عمده آثار سیطره، سوم امپریالیسم را بر بیکر خود دارند. هارت وسیع امپریالیستی در این کشورها، فقر و فقدان بهداشت لازم، بیکاری گسترده و اقتصادی وابسته، امکانات بسیار محدودی را برای پرورش جوانان و شرکت وسیع آن‌ها در میادین ورزش فراهم می‌آورد. اما روند شرکت فعالانه این کشورها در تعیین سرنوشت خویش، روند رشد یابنده مبارزه‌ی‌ایمان آنها با سیطره امپریالیستی، آینده‌های نویدبخش در مقابل چشمان ما می‌کشوراند، آینده‌ای که در آن این توده انبوه خواهند توانست جای واقعی خود را در میادین بین‌المللی ورزش نیز کسب کنند.

امپریالیسم آمریکا بزرگترین بازنده المپیک مسکو بود و رسوایی دیگری بر بیستینه‌های ننگین خود افزود. خبرنگاران کشورهای امپریالیستی در المپیک مسکو شرکت جستند تا با تمام قوا در آن خرابکاری کنند و اخبار هیجان‌انگیز و دروغ به دنیا مخابره کنند، اما آنها نیز دست‌خالی و رو سیاه بازگشتند.

صلح، دوستی میان ملت‌ها، تفاهم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در المپیک مسکو پیروز شد و ورزشکاران ۸۱ کشور جهان خاطره‌ای فراموش‌نشدنی از این جشن انسانی با خود به کشورهایشان بردند. نیروهای سیاه جنگ‌طلب، دشمن دوستی و منادی تیرگی و خصومت میان ملت‌ها، رسوایی دیگری بر تباهی‌های پیشین خود افزودند.

انسانیت فاتح المپیک مسکو بود.

زمین حق روستاییان چارداق بین حویینر قاشمشهر است
لکی از دهقانان روستای چارداق سن، که با زن و فرزندانشان خود جلوی فرمانت‌سرداری و شهرداری قاشمشهر اجتماع کرده بود، می‌گفت: "ما روستاییان چارداق بین بی‌از ۱۶ ماه آمادورفت به دادگاه انقلاب و شکایات فراوان، توانستیم ۱۵۰ هکتار از زمینهای ارباب‌راستین خودمان تقسیم کنیم. بعد از آن بیعت‌مراجعت جماعت‌اران ارباب و شکایات روستاییان، رئیس دادگاه انقلاب اورا برزندان انداخت. ولی پس از تعویض رئیس دادگاه، ۱۰۰ نفر دهقان را از جوسباروده شورکا آورده اند که ادعا می‌کنند زمینها مال آنهاست. این افراد در جایی زندگی می‌کنند که با ده ما ۵۰ کیلومتر فاصله دارد. این دسیسه خود ارباب است که عده‌ای را واداشته است به زمینهای ما هجوم آورند. ما ۸۰ خانواریم و با توجه به محنت ما لسه است که روی این زمینها کار کرده‌ام."

این یک شیوه‌شیطانی مالکین بزرگ است که دهقانان زحمتکش را بجان هم می‌اندازند زنده خودشان از آب گل آلود می‌بگیرند. دهقانان که کودکان و همسرانشان را نیز همراه آورده بودند، از فرمانداری قاشمشهر می‌خواستند که رشان رسیدگی کنند. زمینداران بزرگ و فئودالها، همان‌گونه که در خصلت طبقاتی آنان نهفته است، عمل می‌کنند تا رتگری آنها با تزییر و دسیسه‌ها اندازه همراه است. مسائل دهقانان زحمتکش ما زمانی واقعا حل می‌شود که مقامات مسئول با اجرای بی‌کیفیت قانون و اکذاری زمین به دهقانان نهی دست. زمینه عینی اعمال نفوذ و تجاوزات رنکارگاران را محو کنند. دهقانان با بیدار شدنکده هم‌زحمتکشان روستاها، هرکجا زندگی کنند، برادر و متحدان آنها هستند، و زمین داران بزرگ، هر عده‌ای که به آنها بدهند، دشمن خویش باقی خواهند ماند. روستاییان زحمتکش با بیدار شدن خود به زمین که مهم‌ترین ضروری ترین وسیله کار روزندگی آنان است دست می‌یابند. زمین داران بزرگ می‌کوشند دهقانان را تا آگاه رافریب دهند و آنان را علیه یکدیگر تحریک کنند. دهقانان با اتحاد و تشکیل خود در اتحادیه‌های دهقانی، از تفرق و تفرقه سیر هیزید و خود را بری دریافت زمین آماده سازید. مقامات مسئول با بدقتا نه و سر بیجا قانون و اکذاری زمین را بسودکلیه دهقانان تهدیدت اجرا و توطئه زمین داران را خنثی کنند.

روستای وایقان را دریا بید

روستای وایقان با ۶۰۰ خانوار در ۶ کیلومتری بخش شمبر واقع است. از این تعداد ۹۵ خانوار بدون زمین هستند. از این روستا مانند دیگر روستای آذربایجان از بی‌آبی رنج می‌برند. تاکنون چندین بار اقدام به حفیرا عمیق کرده‌اند، ولی به آب شور رسیده‌اند. گذشته از آن روستا دارای تختی است که اکنون ک ملاحظه شده و احتیاج مبرم به لارویی دارد.

علاوه بر زراعت غله و میوه، دام‌سرداری و قالبا بی نیز در روستا رونق دارد. زمین‌شبه بیشتری جهت توسعه دامپروری موجود است، ولی تاکنون بی توجهی مقامات مسئول و نرسیدن کمک‌های لازم به روستاییان مانع گسترش آن شده است.

حاصل زحمت و کار قالبا فانیان نیز به جیب چند سرمایه‌دار می‌رود، که قالبا فانیان و سایر اولیه و مواد را از آنها می‌گیرند. زیرا خودشان توانائی مالی فراهم کردن این وسایل را ندارند. در حالیکه با تشکیل یک تعاونی تولید قالسی می‌توان با این مشکل بزرگ پایان داد.

دروایقان چندتوره آجریزی وجود دارد. کارگران آن اکثر از کردهائی هستند که در تابستان برای پیدا کردن کار به این منطقه می‌آیند و با تحمل محرومیت‌های فراوان همراه با آفرا دغا نوا ده خود بی‌کار می‌برند.

این روستا دارای سرق و حما مودر است. ولی فاقد درمانگاه و بهداشت کانی است. پس از پیروزی انقلاب، اهالی وایقان با هم‌اری خود، دبستان روستا را گسترش دادند و اکنون کودکان روستا می‌توانند تا آخر دوره راهنمایی تحصیل کنند.

این نمونه دهقانان آموخته است که با اتحاد و کمک یکدیگر می‌توانند دشواریها را از پیش پای خود بردارند. بخصوص تشکیل تعاونی‌ها می‌تواند مشکل کثای امورتولیدی و همچنین مصرفی روستاییان باشد.

خواستهای مهم اهالی وایقان عبارتند از:
۱- تامین آب مزروعی روستا و کمک جلدی دولت برای زدن چاه ولارویی قنات،
۲- ایجاد شرکت تعاونی و در اختیار گذاشتن وسائل کثا و وزی و تراکتور با قیمت ارزان به کثا ورزان،
۳- دادن وام به روستاییان جهت گسترش دامداری و توسعه کثا و وزی روستا،
۴- رسیدگی به وضع قالبا بی در روستا و کوتا ه کردن دست واسطه‌ها از طریق دادن وام و کمکهای دیگردولت.

۴- رسیدگی به وضع قالبا بی در روستا و کوتا ه کردن دست واسطه‌ها از طریق دادن وام و کمکهای دیگردولت.

مائوئیست‌ها جاده صاف کن‌های آمریکا

گروهک‌هایی ما شوئیستی بیکار، راه‌کارگر، طوفان ... و دیگر تریجه‌های بوک آمریکا نی، در شهرت این روزها به اصطلاح خودشان دست به تظاهرات همگامی می‌زنند و قصد دارند جورا برای برخورد‌های ضد انقلابی آماده سازند. این گروهک‌های سیا ساخته در نظر هرات روزمره خود، که غالباً تعداد شرکت‌کنندگان در آن از چند صد تا نقلی و ساواکی تجاوز می‌کند، علیه نهادهای انقلابی و رهبران انقلاب شعار می‌دهند. مردم را به اصطلاح سازماندهی می‌خوانند. این افراد همچنین از مسئله‌گرانی و سایر ناراضی‌های موجود در سطح جامعه برای لطمه زدن به انقلاب استفاده می‌کنند. ما توجه مقامات مسئول را به این مسئله جلب می‌کنیم.

برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

المپیک بیست و دوم، گذشته از نتایج و دستاوردهای شکست‌آموزش در عرصه ورزش، که از آن سخن خواهد رفت، کارزاری بزرگ را در عرصه سیاست به سود نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه، به سود دوستی و تفاهم ملل جهان و تحکیم پایه‌های هم‌زیستی و به زبان نیروهای سیاه جنگ‌طلب، ضد انسانی و تشنج‌آفرین، به پایان برد و شکستی سخت در این عرصه به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، وارد ساخت.

امپریالیست‌های آمریکایی و انحصارات بزرگ امپریالیستی، که از تحولات سال‌های اخیر در عرصه جهانی و تعمیر شدید نوازن هوا به سود نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه جهان، به شدت ناراضی بودند و تلاش‌آنها برای دامن زدن به تشنج جهانی و تیره کردن فضای دوستی و تفاهم میان ملت‌ها، با شکست‌های فضیحت‌بار مواجه گردیده بود، از مدت‌ها قبل به مراسم المپیک چون واقعه‌ای "نامطلوب می‌نگریستند و سردمداران انحصارات امپریالیستی حتی از لزوم ملتی‌کردن بازی‌های المپیک سخن می‌راندند.

خصومت هارترین و جنگ‌طلب‌ترین محافل امپریالیستی با بازی‌های المپیک، تعجبی بر نمی‌انگیزد، زیرا فلسفه بازی‌های المپیک همواره ایجاد نزدیکی میان ملت‌ها و تحکیم دوستی مابین آنها و گسترش زمینه‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جهان را تعقیب می‌کرده است، امری که با ماهیت تشنج‌آفرین، تفرقاتن و ضد مردمی انحصارات جهان‌خوار امپریالیستی مابینت آشکار دارد.

گذشته از این امر، بازی‌های المپیک در دوران اخیر، بیش از پیش به یکی از شاخص‌های برتری کیفی سیستم جهانی سوسیالیستی بر سیستم سرمایه‌داری، بدل شده است، امری که طبیعتاً نمی‌تواند برای نظریه‌پردازان امپریالیستی و اربابان آنها، انحصارات امپریالیستی، که وسیع‌ترین تبلیغات را علیه سوسیالیسم به پیش می‌برند، مطلوب و خوشایند باشد. نظام انسانی و صلح‌طلب سوسیالیستی، که به سرعت در عرصه‌های گوناگون برتری کیفی خود را، علی‌رغم تمامی تبلیغات دروغین امپریالیستی، بر سرمایه‌داری می‌نمایاند، در دوره‌های اخیر بازی‌های المپیک اثربخشی معجزه آسای خود را در ارتقاء کیفیت ورزشی کشورهای که در دهه‌های گذشته به اردوگاه سوسیالیسم پیوسته‌اند نمایان می‌سازد.

در واقع بازی‌های المپیک به واقعه‌ای بدل شده است که هر ۴ سال آشکارا شکست بزرگی را بر سیاست جنگ‌سرد امپریالیست‌ها تحمیل می‌کند و اذهان جهانیان را به ضرورت و ثمر بخشی مبارزه در راه صلح و دوستی بین ملت‌ها متوجه می‌سازد. بی‌هوده نیست که امپریالیسم با چنین خشمی به المپیک می‌نگرد، و با توجه به مطالب فوق، باید هم‌بزرگ در آستانه بازی‌های المپیک مسکو، امپریالیسم آمریکا با سوء استفاده از رویدادهای افغانستان، کوشید تا توطئه ننگین خود را علیه این جشن

بقیه از صفحه ۱
دانشجویان مبارز ایرانی...
اروپای غربی، بویژه فرانسه و بریتانیا، استرداد صدها عناصر ضد انقلابی را، که شب و روز علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه کودتای می‌چینند، طلب کند؟ مگر همین دولت فحیبه "آزادی پرور" بریتانیا نیست، که نه تنها به خونخوارترین دسیسه‌گران علیه انقلاب ما پناه می‌دهد، بلکه دانشجویان ایرانی را، که به همبستگی با دوستان خود در آمریکا، در برابر سفارت آمریکا در لندن به تظاهرات مسالمت‌آمیز دست زدند، به جرم "تهدید" دستگیری کند و تحویل دادگاه می‌دهد. ظاهراً رفتار دنباله روانه اینگونه کشورها از آمریکا به مذاق برخی نمی‌سازد که می‌خواهند به کمک کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن علیه "ابرقدرت‌ها" و به سود مستضعفین جهان "قیام" کنند!
هر قدر دولت آمریکا به فشار خود علیه دانشجویان انقلابی مادران کشور می‌افزاید، بهمان اندازه نیز جنبش همبستگی مردم ایران و دانشجویان ایرانی در سراسر جهان با آنها گسترش می‌یابد. اعماق و هواداران حزب ما در خارج از کشور نیز با دانشجویان ایرانی هوادار انقلاب در آمریکا، همسرگرد.

اعلام بیت المقدس بعنوان « پایتخت » اسرائیل - عامل جدید تشنج و تهدید صلح و امنیت در خاورمیانه

روز چهارشنبه هفتم مردادماه، کنست (پارلمان اسرائیل) قانونی تصویب کرد که به موجب آن بیت المقدس جز سرزمین اسرائیل و پایتخت کشور اسرائیل اعلام گردید.

این اقدام ماجراجویانه دولت صهیونیستی اسرائیل در زمانی انجام گرفت که چند روز قبل از آن، آخرین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره فلسطین صادر گردید. در این قطعنامه از اسرائیل و متحدان آن خواسته شده است که تمامی حقوق حقه خلق عرب فلسطین، از جمله حق بازگشت به سرزمینهای اشغالی، حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی را برسمیت بشناسد و به تحقق آن مساعدت کند. در این قطعنامه همچنین از اسرائیل خواسته شده است که حداکثر تا ۱۴ آبان ۱۳۵۹ تمام نیروهای نظامی خود را از سرزمینهای اشغالی کشورهای عربی خارج کند.

اقدام دولت صهیونیستی اسرائیل در تصویب قانون درباره الحاق بیت المقدس به اسرائیل و اعلام آن به عنوان پایتخت اسرائیل، نقض صریح قطعنامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد و پامال کردن ناهنجار حقوق موازین بین المللی است. نمتنها بموجب آخرین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بلکه طبق مصوبات قبلی سازمان ملل متحد نیز اسرائیل هیچگونه مجاز نیست که خودسرانه بیت المقدس را به خاک خود ملحق کند و آنرا پایتخت کشور اعلام نماید. در قطعنامه شماره ۱۸۱ (۸ آذر ۱۳۲۶) سازمان ملل متحد تصریح شده است که بیت المقدس از دویخ عرب نشن و اسرائیل نشن با داشتن حقوق و موقعیت بین المللی اعلام میگردد.

پس از اقدام تحریک آمیز و غیرقانونی پارلمان اسرائیل به تصویب قانون درباره الحاق بیت المقدس به خاک اسرائیل و اعلام این شهر بعنوان «پایتخت» اسرائیل، گروهی از کشورهای اسلامی بعنوان اعتراض علیه این اقدام، پیشنهاد مشترکی به دبیرخانه سازمان ملل متحد تسلیم کردند مبنی بر اینکه، روز دوشنبه (۱۳ مرداد) جلسه فوق العاده شورای امنیت برای رسیدگی به قانون مصوب در پارلمان اسرائیل درباره الحاق بیت المقدس تشکیل شود.

جریان اخذ آراء در مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره قطعنامه مربوط به فلسطین، جبهه متحد نیروهای ضد امپریالیستی و طرفدار تحقق حقوق عادلانه خلق عرب فلسطین و نیروهای امپریالیستی هوادار صهیونیسم بین المللی و پشتیبان دولت تجاوزکار اسرائیل را با دیگر مشخص کرد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به اتفاق کشورهای مستقل ملی و ترقی خواه جهان و در مجموع صد دوازده کشور جهان به این قطعنامه رای مثبت دادند. ایالات متحده آمریکا و اسرائیل رای مخالف و دول امپریالیستی اروپای غربی - عضو جامعه اروپا - رای متنع دادند.

مواضع دولت آمریکا و دیگر دول امپریالیستی در پشتیبانی از سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه اسرائیل و مخالفت با خواست برحق کشورهای عربی مورد تجاوز اسرائیل و بویژه خلق عرب فلسطین، نمایانگر آنستکه سیاست صهیونیستی تجاوزگر اسرائیل در خاورمیانه بخشی است از مجموع سیاست امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه خلقهای جهان و خلقهای کشورهای عربی در خاورمیانه.

تجاوز نظامی اسرائیل علیه کشورهای عربی و اشغال سرزمینهای این کشور و راندن خلق عرب فلسطین از سرزمینهای زاد و بومی خود با الهام و پشتیبانی و شرکت مستقیم امپریالیسم آمریکا و دیگر دول امپریالیستی انجام گرفت. موافقتنامه های کپ دیوید میان مصر و اسرائیل، که در نتیجه خیانت انور سادات به منافع ملی خلقهای کشورهای عرب و خلق عرب فلسطین به امضا رسید، در کاخ سفید طرح ریزی گردید و بموجب اجرا درآمد. این موافقت نامه ها که ناقص صریح تمام قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره حل فصل بحران خاورمیانه مبنی بر ملزم کردن اسرائیل به تخلیه تمام سرزمینهای اشغالی است، تجاوز اسرائیل علیه کشورهای عربی و اشغال سرزمینهای این کشور را به رسمیت شناخت و به آن جنبه قانونی بخشید. کوششهای بعدی اسرائیل و رژیم خیانت پیشه انور سادات در سمت جلب دیگر کشورهای عربی به این موافقتنامه ها، هدف تضعیف و

در جلسه علنی مجلس گفته شد: آمریکابرای نابودی انقلاب ایران نقشه چند ساله می کشد

نمایندگان رسید. و در نتیجه رای گیری، دوفوریتی بودن آن به تصویب رسید. آنگاه حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، پیشنهاد هیئت رئیسه را در مورد افزودن تبصره ای به ماده ۳۱ آئین نامه پیرامون متغیر بودن تعداد افسران کمیسیونها، قرائت کرد. سپس دوفوریتی بودن آن به رای گذاشته شد و به تصویب رسید.

جلسه دیروز مجلس ساعت ۱۵/۱۵ دقیقه پایان یافت.

تقاضای بازداشت و محاکمه مدنی

عده ای از نمایندگان مجلس، طی نامه ای خطاب به دادستان کل انقلاب، حجت الاسلام علی قدوسی، خواهان محاکمه احمد مدنی شده اند. در قسمتی از این نامه آمده است: «از آنجا که بعد از اتمام اسناد سرپرستی سید احمد مدنی، امکان متواری شدن نامبرده می رود، لذا از آن مقام معظم تقاضای جدی می شود که بدون تعلل و تاخیر دستور بازداشت نامبرده را صادر فرموده و ترتیب محاکمه علنی وی فراهم گردد.»

سید احمد زهرانی، نماینده دزفول، که از امضا کنندگان این نامه است، در ذیل امضا خود علت را چنین ذکر کرده است: «برای جلوگیری از تجربه تلخ فرار بختیار، نزیه و قشقای...»

در حاشیه...

دوستان مهندس بازرگان!

در جلسه دیروز مجلس نیز درباره فعالیت های دولت موقت صحبت هایی شد. از آن جمله رشیدیان گفت: «من و آقای کیاوش و ۲ تن دیگر از نمایندگان خوزستان برای عرضه مدارک در مورد مدنی بدولت موقت مراجعه کردیم. متأسفانه آقای بازرگان سا عصبانیت به ما گفت: "... امان از دست انقلاب ... ببینید بر سر دوستان ما چه می آورید؟" مهندس بازرگان ضمن تکذیب این مساله گفت: "اصلا این حرف ها نکرده ام. و کیاوش منشی مجلس و نماینده خوزستان گفت: "من شهادت می دهم که بوده است!"

با باصفری نیز در سخنانش گفت: «برای بررسی کارهای مدنی در خوزستان، از آقای بازرگان دعوت کردیم که به این محل سفر کند. ولی وی پس از آمدن به خوزستان، در جمع مردم گفتند: "من می گویم درود بر مدنی، درود بر مدنی..." حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس در پاسخ این صحبت ها گفت: «در این جلسه به پرونده مهندس بازرگان رسیدگی نمی کنیم، پس در این باره صحبت نکنید.»

قطع دست آبادی امیرالایم

حجت الاسلام خلخالی ضمن اشاره به تشبیهی که حجت کرمانی در مورد پاک سازی طاعت کرده و نام آن را جراحی سرطان گذاشته بود، گفت: «مسئله جراحی نیست، مسئله ما قطع دست آبادی امیرالایم آمریکا در ایران است.»

این سخنان با فریاد تکبیر حضار و عده ای از نمایندگان مواجه شد.

رای متنع بازرگان به مدنی

از جمله کسانی که به مدنی رای متنع دادند، مهندس بازرگان بود. معین فر نیز اصلا رای متنع تنها مدافع مدنی؟

با وجود علنی بودن رای گیری روشن نشد که تنها رای موافق به مدنی، که با باصفری نماینده مجلس آن را «تنگین» توصیف کرد، متعلق به چه کسی بود. البته در پرونده نمایندگان این مطلب به ثبت رسیده است و لذا خوب است که هیئت رئیسه مجلس، تنها «مدافع» مدنی در مجلس را به مردم معرفی کند.

هادی غفاری گفت: ما به رئیس جمهوری قول دادیم که فاشیت نشانی و مگر نه خودمان او (مدنی) را توقیف می کردیم.

نمراهی، نماینده دیگر، در همین مورد گفت:

«بعد از پیروزی انقلاب، امیرالایم آمریکا و همپایانهایش خیلی سعی کردند که با ایجاد آشوب در نقاط مختلف ایران از سیاست سیاسی مملکت جلوگیری و مردم را با یوس کنند. سپس تحت پوشش سردار ملی و "عامل ثبات و نظم" یک عده آمریکا بی چون مدنی را روی کار آوردند. آنها کوشش بسیار کردند که خوزستان را نیز مانند کردستان به گان نون جنگ و آتش - افروزی مبدل کنند و در "ایده" به تحریک عشاریوسا بیل مختلف می بردا ختند. مدنی در این رابطه نقش مهمی داشته است. او با خوانین عده منطقه جلسات متعددی داشته است. همین خوانین اکنون در کنار رشیدیان هدی مشغول توطئه علیه انقلاب هستند.»

رشیدیان، مخالف بعدی، گفت: «وی با شیوخ عرب که همگیشان در ارتباط با ما واک بودند، ارتباط مستقیم داشته است. همچنین طبق اسنادی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از لانه جاسوسی بدست آوردند، مدنی به پایلیزیان و خانواده او برای فرار از ایران کمک کرده است.»

مجیدانماری، مخالف بعدی، ضمن تأیید این مدارک گفت: «در کرامت هنگام انتخابات شایع کرده بودند که در خوزستان "منجی بزرگی پیدا شده که همین مدنی باشد.»

نماری در پایان سخنانش خواست که رادیو تلویزیون شرح کامل این جلسات را، بخصوص از گانان اول، برای مردم شهرستانها، بخصوص کرمان بخش کند.

دکتر روحانی، مسئول دایره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش، ضمن سخنان خود خواستار محاکمه مدنی در دادگاه انقلاب شد.

با باصفری، مخالف دیگر اعتبار نامه مدنی، ضمن تشبیه مدنی به پینوشه در شیلی، گفت: «۲۰ روز قبل از کودتا، در روزنامه "جبهه ملی" گفته بود که بزودی مجلسیان را محاکمه خواهد کرد.»

وی در پایان سخنانش گفت: «من چون تنگ میدانم که حتی یک رای موافق به وی داده شود، تقاضای رای گیری علنی می کنم.»

پس از سخنان حسن آیت، حجت الاسلام خلخالی در مخالفت با اعتبار نامه مدنی گفت: «درباره فعالیت های وی اگر بخواهیم وارد جزئیات شویم، کار به درازا می کشد. لیکن باید بگویم زمانی که بدستور آقای ها دوی برای محاکمه ۸ تن از نمایندگان رژیم شاه مخلوع به خوزستان رفتیم و بعد از آنکه حکم اعدام آنها از جمله شمس تبریزی فرما نداشتن می وفرمانده لشکر خوزستان را ما در کردیم، فردایش متوجه شدیم که مدنی ناراحت است. آقای خزعلی در این رابطه به من گفت: شما عجله کردید، قرار بود شمس تبریزی فرما نده لشکر شود، ولی شما او را "دم تیر" گذاشتید.»

حجت الاسلام خلخالی افزود: این خصمه مدنی و امثال مدنی است که در ظاهر حکومت می کنند، ولی در باطن اعمال ضد انقلابی خود را انجام می دهند. این افراد باید محاکمه شوند. من از رئیس مجلس می خواهم که بلافاصله ترتیب بازداشت او را بدهد. به چه مناسبت ۲۰ روز قبل از توطئه کودتا به پایلیزیان می رود و پس از شکست توطئه دوباره به ایران بازمی گردد. چرا به این مسائل رسیدگی نمی شود؟

پوی در بخش دیگر از سخنان خود گفت: «با پدید آمدن مدنی، که یک روحانی نمای افتاد است، خلق لباس زود، و دیگر روحانی نمایان فاسد از قبیل "ال دین نوری و شاد رودی نیز خلق لباس شونند، همسها هستند که اکنون هم در مرگ شاه مخلوع لباس سیا می پوشند و بر علیه انقلاب فعالیت می کنند. چرا فقط طلبه های "جز" که با ما واک همکاری می کردند، خلق لباس می پوشند و با این افراد به طریق مشابه عمل نمی شود؟»

نگاه حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس گفت: «بنا به تقاضای ۱۵ نفر از نمایندگان رای گیری بصورت علنی خواهد بود.»

حجت الاسلام خلخالی در مورد رای گیری علنی گفت: «با این ترتیب می توانیم طرفداران آمریکا را بشناسیم.»

در نتیجه رای گیری، اعتبار نامه مدنی با ۱۲۶ رای مخالف و ۱ رای موافق و ۲ رای متنع رد شد. سپس ماده واحده پیشنهادی از سوی عده ای از نمایندگان با قید دوفوریتی در مورد قطعنامه قبل از دستور به نظر

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که در ساعت ۹/۲۰، به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، گروهی از نمایندگان خواستار بازداشت و محاکمه احمد مدنی شدند.

در آغاز این جلسه، سید یونس عرفانی، نماینده طالش، اولین ناطق قبیل از دستور، درباره حوزه انتخاباتی خود سخن گفت. ناطق بعدی، حسن رها بی، ضمن اعلام حمایت خود از زاده نشوایان میسارز ایرانی که در آمریکا در بند سارت هستند، درباره انتخاب دولت گفت: «ما نباید دولتی انتخاب کنیم که ۶ ماه بعد با استیضاح مجلس روبرو شود و کار پیدا نخواهد کرد. ما از ملت عذر خواهی نکنیم...»

وی در پایان سخنان خود از محمد شجاعی نماینده زنجان، که استعفا کرده است، خواست که استعفا خود را پس بگیرد. ناطق بعدی، طباطبائی نژاد، نماینده اردستان بود که ضمن شرح راهی توطئه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب گفت: «آمریکا برای نابودی انقلاب نقشه چند ساله می کشد... و ما باید کاری کنیم که راهی نقشه توطئه گرانه را ببندیم و از آنجمله باید کاری کرد که زمینه های نارضایتی از بین برود...»

پس از سخنان شکراله زینعلی، آخرین ناطق قبیل از دستور و نوبت به ادا مه بوری مدارک فعالیت های ضد انقلابی احمد مدنی رسید. آقای کیاوش، نماینده خوزستان در این باره چنین گفت:

«فهرست اعمال مدنی را شرح میدهم و اعلام می کنم که برای تک تک آنها مدارک و اسناد کافی دارم.»

۱- قتلها بی که بدون مجوز قانونی و بدستور مدنی در خوزستان اجرا شده است. ۲- تقاضای مدنی از دادگاه انقلاب اسلامی کرمان مبنی بر راهی ساواکیها و اخلاقیی چون برخوردار، فراماسیون معروف، آتام، رئیس ساواک کرمان، که در این مورد حتی وی پیش آیت الله قدوسی نیز رفته است. سرهنگ مبارزین دادگاه تجدیدنظر ارتش و عباس خاندانی از دیگر وابستگان رژیم.

۳- اسنادی درباره حیف و میل مدنی و از جمله سندی که درباره بانک لندن است. طبق این سندوی یکبار ۹۰۰۰۰۰۰ یونددیو را رد کرده ۴۰۰۰۰۰۰ یونددیو ناخدا خوشنام به انگلستان فرستاده است. ۴- اخاذیهای مکرر، ۵- انتصاب درباری در علوی به عنوان معاون.

۶- سعی در ایجاد نارضایتی و بوجود آوردن درگیری و تشنج، از آنجمله اقدامات وی در مورد "ایده" است، که وی هاشمی نامی را، که از مقربران از هاری بوده است، بعنوان رئیس دادگاه انقلاب فرستاد و ضمن نوعی حکومت نظامی در آنجا برقرار کرد.»

به هم زدن جبهه متحد پایداری کشورهای عربی در برابر تجاوز اسرائیل را دربر دارد، تا از این راه جبهه ضد امپریالیستی کشورهای مستقل ملی در این منطقه متلاشی گردد و راه بازگشت صلح مطلق امپریالیسم آمریکا در این منطقه و صرف منابع ثروت های ملی خلق های این منطقه برای امپریالیسم آمریکا هموار شود.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان و استقرار و تثبیت رژیم دمکراتیک در یمن جنوبی، و تشکیل جبهه پایداری از کشورهای لیبی، سوریه، الجزایر، یمن دمکراتیک و جبهه آزادی بخش فلسطین، امپریالیسم آمریکا به تقویت و گسترش حضور نظامی و پایگاه های نظامی خود در این منطقه پرداخت. آمریکا تلاش می کند که با تبدیل کشورهای وابسته به خود در منطقه به پایگاه نظامی و سربل تجاوز، مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی از دست رفته خود را در این منطقه جبران کند. پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم آمریکا از اقدامات تجاوزگرانه و تحریک آمیز اسرائیل علیه رژیم های مستقل ملی در کشورهای عربی و علیه خلق عرب فلسطین نیز بخشی است از سیاست کلی استراتژیک نظامی آمریکا در منطقه، که هدفش توطئه و تجاوز علیه رژیم های مستقل ملی براندازی این رژیم ها و روی کار آوردن رژیم های دست نشانده و گوش به فرمان آمریکاست.

تصویب قانون جدید در پارلمان اسرائیل در مورد الحاق بیت المقدس به خاک اسرائیل و اعلام آن به عنوان «پایتخت» اسرائیل، از توطئه های جدید و تحریک آمیز صهیونیسم بین المللی و امپریالیسم آمریکا علیه خلق عرب فلسطین و همه خلق های کشورهای حکایت می کند. این سیاست تجاوزکارانه اوضاع تشنج این منطقه را وخیم تر می کند و صلح و امنیت خاورمیانه را با خطری جدی مواجه می سازد.

مرسوم
دائره انتشار و مدیریت: مروج فرهنگی
تأسیس: ۱۳۵۹
محل نشر: تهران
فصلنامه نشر مرسوم است